

# کتاب های مکایان

شامل :

پیشگفتار

متن اول مکایان (قسمت اول)

متن اول مکایان (قسمت دوم)

متن دوم مکایان

# کتابهای مکابیان

## پیشگفتار

پارتیان خیلی زود رو به ضعف نهاد و بر اثر رقابت‌های خانوادگی از هم پاشید. مضمون هر دو کتاب مشابه و درباره به دست آوردن مجدد آزادی مذهبی و استقلال ملی است که آنتیوخوس چهارم اپیفان (۱۶۴-۱۷۵) در صدد از بین بردن آن بود اما یهودای مکابی و برادرانش با مبارزه خود آنها را به دست آوردند. این دو روایت از هم مستقل هستند و دقیقاً دوران یکسانی را دربر نمی‌گیرند. هر دو کتاب به زبان یونانی در دسترس آیندگان قرار گرفته بود و کتاب دوم از اساس به آن زبان نگارش یافت.

هر چند تاریخ رویدادهای مذکور در هر دو کتاب طبق تقویم قمری-خورشیدی سلوکیان است، اما کتاب اول مکابیان عموماً از تقویم اعتدال خریفی<sup>۱</sup> منطبق با دوره مقدونی انطاکیه که برابر ۷ اکتبر (جولیان<sup>۲</sup>) [۱۵ مهر] سال ۳۱۲ ق.م است پیروی می‌کند در حالی که کتاب دوم از تقویم اعتدال ربیعی که معادل اول نیسان (۳ آوریل جولیان) [۱۵ فروردین] سال ۳۱۱ ق.م پیروی می‌کند که در تقویم گریگوری که هم اکنون استفاده می‌شود با تقویم جولیان تفاوت‌هایی جزئی دارد.

۲- آغاز عصر جولیان با اصلاح تقویم از سوی ژول سزار (قیصر روم) شروع شد. سال جولیان ۳۶۵ روز و ۶ ساعت است.

کتاب‌های اول و دوم مکابیان هر چند جزو کتاب‌های برحق یهودیان نیستند و از سوی ژروم قدیس و سپس از سوی پروتستان‌ها در شمار کتب تحریفی به شمار آمدند و حتی مورد توجه پدران کلیسا هم نبوده و تنها از پایان قرن چهارم اثری از آنها در فهرست متون برحق دیده شده است، مع الوصف در شورای مذهبی ترانت از دیدگاه کاتولیک بحث درباره آن مختومه اعلام و جزو متون برحق شناخته شدند. لوتر متأسف بود که کتاب اول مکابیان در زمره کتب برحق نیست. دو کتاب مکابیان، یگانه منبع اطلاعات درباره تاریخ قوم برگزیده در دوران نفوذ فرهنگ و تمدن یونانی (Hellenisme) است و از لحاظ زمانی تنها دربرگیرنده حدود نیم قرن، از پایان سلطنت سلوکوس چهارم در سال ۱۷۶ تا به تخت نشستن یوحنا هیروکان به سال ۱۳۴ ق.م می‌باشد. در آن زمان یهودیه دولت دست‌نشانده امپراتوری سلوکی بود که پایتخت آن انطاکیه و وسعتش از مدیترانه تا فلات ایران بود اما تحت فشار رومیان و

۱- لحظه‌ای از سال را گویند که خورشید به محاذات خط استوا در تمام نقاط آن به صورت عمودی می‌تابد. دو اعتدال در سال هست، یکی اعتدال ربیعی یا بهاری از ۲۱ تا ۲۲ مارس [اول فروردین] و دیگری اعتدال خریفی یا پاییزی از ۲۲ تا ۲۳ سپتامبر [اول مهر].

## پیشگفتار کتابهای مکابیان

همان نسخه قدیمی و خطی اعلایی است که مقارن سال ۳۰۰ توسط لوسین (Lucien) پیر کلیسای انطاکیه تهیه شد و در اغلب موارد این نسخه با متن لاتین<sup>۳</sup> (Vetus Latina) منطبق می باشد. متن این نسخه بهتر از دیگر نسخ خطی نوشته شده است. یوسفوس (Flavius Josephus) مورخ، در کتاب خود با نام «آثار باستانی یهود» از کتاب اول مکابیان یاد می کند و متن وی گاهی به کمک بازسازی متن حاضر می آید. این مورخ از وجود کتاب دوم مکابیان اطلاعی نداشت.

بابل و نیز معبد اورشلیم مورد استفاده بوده است. آغاز تعادل ربیعی کتاب اول شامل موارد ۱:۵۴، ۲:۷۰، ۴:۵۲، ۹:۳ و ۵۴، ۱۰:۲۱، ۳۱:۴۱، ۵۱، ۱۴:۲۷، ۱۶:۱۴ است که موضوع آن درباره معبد یا تاریخ داخلی یهود می باشد.

متن کتاب اول مکابیان به تنهایی در مجموعه سینائیتیکوس (Sinaiticus) ضبط شده است. متن اول و دوم مکابیان در مجموعه الکساندرینوس (Alexandrinus) و در جزوات متعدد وجود دارد که بخشی از

## کتاب اول مکابیان

(۴:۳۶-۵:۶۸) که تا مرگ اپیفان ادامه می یابد (۱:۶-۱۷). در این مورد توالی و نظم کتاب دوم مکابیان سنجیده تر است (۹: مرگ اپیفان، ۱۰: تطهیر معبد). حتی این روایت نیز عاری از پیچیدگی نیست (مثلاً نامه های باب ۱۱). دومین نبرد لیسپاس در زمان آنتیوخوس پنجم، پسر اپیفان به سود یهودا پایان پذیرفت (۶:۱۸-۶۳) اما دیمتریوس اول پسر سلوکوس چهارم، نوه خود آنتیوخوس پنجم را خلع و بکیدس را جایگزین لیسپاس گردانید: او به تحریک کاهن بزرگ الکیمس طرفداران یهود را پراکنده ساخت اما یهودا، پیروزی بزرگی بر نیکانور که شاه وی را استراتژ\* یهودیه نامیده بود به دست آورد (باب ۷). با این واقعه و مرگ نیکانور (۲۸ مارس ۱۶۰) کتاب دوم مکابیان به پایان می رسد. اما کتاب اول پس از تمجید حیرت آوری از رومی ها (باب ۸) بازگشت

### محتوی

کتاب اول مکابیان اثری سه منظومه ای است که اقدامات مهم یهودای مکابی و برادرانش یونان و شمعون بنیان گذار سلسله یهودی هاسمونیان را نقل می کند. پس از شرح مقدمه ای درباره اسکندر مقدونی و جانشینان وی و اقدامات اپیفان برای تحمیل آداب و رسوم مذهبی یونانی در سرزمین یهودیه (۱-۱ مک باب ۱)، شاهد قیام متاتیاس کاهن و پسرانش هستیم (باب ۲).

سومین بخش درباره یهودای مکابی رهبر یهودیان است که مدت شش سال از ۱۶۶ تا ۱۶۰ ق.م مبارزه می کرد (۳:۱-۹:۲۲). ابتدا بر ضد لیسپاس حاکم ماوراء فرات در همان زمان که اپیفان در پارس اردو زده بود (۳:۱-۳:۳۵). سپس روایت تطهیر معبد که توسط اپیفان بی حرمت شده بود و بعد از آن به شرح عملیات وی علیه اقوام مجاور می پردازد

۳- متن قدیمی عهد عتیق به زبان لاتین.

(۱۰۱:۱۶-۱۰). اندکی بعد شمعون توسط دامادش بطلمیوس به قتل رسید اما یوحنا (هیرکان) پرده از دسیسه های وی برداشته قدرت را به دست گرفت (۱۱:۱۶-۲۴). شمعون پیمان با اسپارت و روم را تجدید کرد (۱۴:۱۶-۲۴ و ۱۵:۱۵-۲۴) و با حکومت ها و شهرهای مدیترانه شرقی رابطه برقرار نمود (۱۵:۲۲-۲۳).

### تاریخ و ویژگی های ادبی و دینی

نویسنده، اثر خود را با ارجاع دادن خواننده به وقایع نامه کهانت اعظم در مورد بقیه اقدامات و عملیات یوحنا (هیرکان) به پایان می برد و این تصور را ایجاد می کند که استفاده از این منبع پس از درگذشت (هیرکان) به سال ۱۰۴ ممکن شده است. نویسنده کتاب اول مکابیان این تصور را ایجاد می کند که وی از رویدادها دور بوده و احتمالاً مقارن سال ۱۰۰ ق.م اثر خود را نوشته و به هر تقدیر باید پیش از دستیابی روم باشد که تعریف و تمجید آن (باب ۸) پس از سال ۶۲ ق.م توهین آمیز به شمار می رفت.

نویسنده که فردی از یهودیان فلسطین بوده از سبک کتب تاریخی قدیمی تقلید می کند و متن یونانی آن بازتابی از ریشه و اصلیت عبری آن می باشد. تجدید حیات زبان مقدس در دوران هاسمونیان باتوجه به متون و مکتوبات قمران کاملاً مورد تأیید قرار گرفته که در آن زبان آرامی به نوعی زبان عامیانه تفسیر یهودی کتب مقدس و وصایا تعبیر شده است. در این کتاب، تاریخ از منظر دیگری نگریسته شده که حاکی از همان اعمال محافظه کاری درباره ملت یهود است. باب نبوت مسدود شده و از

بکیدس به قدرت و نیز مرگ پرافتخار یهودا در نبرد نابرابر را بیان می کند (۹:۱-۲۲). بخش دوم درباره یوناتان است (۱۶۰-۱۴۳؛ ۹:۲۳-۱۲:۵۳) که حاوی نبردهای دیمتریوس اول و پسرش دیمتریوس دوم علیه اسکندر بالاس نوه اپیفان و سپس تریفون است. تریفون نخست به نام پسر جوان اسکندر آنتیوخوس ششم و سپس به نام اصلی خود حکومت می کرد. یوناتان که اسکندر وی را در سال ۱۵۲ به سمت کاهن اعظم منصوب کرده بود با تریفون از در اتحاد وارد شد اما وی با خدعه بر یوناتان غلبه نمود.

سپس شمعون جانشین وی شد، اما نتوانست مانع تریفون از اعدام برادرش پیش از تصرف مجدد سوریه (اواخر سال ۱۴۳؛ ۱۳:۲۳-۲۴) گردد. سوای این سوگواری، سومین بخش که به شمعون، کاهن اعظم و اتنارک اختصاص دارد روایت کامیابی ها است (۱۴۳-۱۳۴؛ باب ۱۳-۱۶). شمعون شهرهای یهودیه را مستحکم نمود و یافا، جزارا و قلعه اورشلیم را به تصرف درآورد (ژوئن ۱۴۱؛ ۱۳:۵۱). در ماه مه ۱۴۲ با دیمتریوس دوم متحد گردید که باعث تقویت منشور منعقد به سال ۱۴۵ شد (۱۳:۳۵ و ۱۱:۳۰). در سال ۱۳۹، آنتیوخوس هفتم، برادر دیمتریوس دوم که بعداً به اسارت پارتیان درآمد همین کار را کرد (۱:۱۵) اما همین که از دست تریفون خلاص گردید علیه شمعون برخاست (۱۵:۲۵-۴۱). وی پس از آن که بسیار سالخورده گردید فرمانروایی را به پسرش یوحنا (هیرکان) واگذار کرد و او گنبده را که آنتیوخوس هفتم به حکومت شهرهای مجاور گمارده بود مقهور گردانید

می رود. با وجود این که نویسنده کتاب اول مکابیان از پیروان و طرفداران هاسمونیان است، به نظر می رسد وی از منازعات فریسیان در مقابل صدوقیان و قدرت ایشان بی اطلاع بوده است. نویسنده با مضامین تحسین برانگیز از فرقه حسیدیان صحبت می کند اما اشاره ای به اسنیان که از آن فرقه منشعب شدند نمی کند. بنا به قول یوسفوس، فریسیان، صدوقیان و اسنیان در دوره یونان وجود داشته اند. این پرهیزکاری و تقوای عاری از تعصب، خود شاهد معتبر ارزش های دائمی عهد قدیم است.

چشم اندازهای مربوط به زمان آخر و مسیح موعود اثری دیده نمی شود (در این دوران این مفاهیم تا حدودی در ادبیات عامیانه و مکاشفه ای دیده می شدند). در حالی که نویسنده کتاب دوم مکابیان بیش از حد به معبد توجه دارد، کتاب اول دائم در هم و غم تورات است که پیوندی ناگسستنی با عهد یهوه دارد. با مراعات تورات و به کار بستن آن حتی به بهای از دست دادن جان خود و نیز طرد آداب و رسوم مشرکان، یهودیان از نتایج ثمربخش و مفید عهد با یهوه بهره مند خواهند شد و اگر بنا به رعایت حرمت نام خدا برده نمی شود به جای آن از واژه «آسمان» انتظار پیروزی

## کتاب دوم مکابیان

### نویسنده

حال یهودی بسیار ایمان داری بود، در هر فرصتی، به خصوص در نیایش های پیش و پس از جنگ از خدا یاد می کند و از نثار ناسزاهای تند به دشمنان دین خویش خودداری نمی ورزد. تلخیص کننده ای گمنام که از سوی دیگرمانند خود یاسون ناشناخته است، چکیده مطالب خود را با کاربرد همزمان دو شیوه به نگارش درآورد. ابتدا، تاریخی را که یاسون نوشته بود و بریدگی هایی داشت با روایات کوتاه به هم متصل کرده آنها را با هم پیوند می دهد و در مرحله دوم جریان تلفیق تاریخی را با آنچه از رویدادها توسط یاسون بیان شده و تفسیر تلخیصی حاصل از نحوه ترکیب کلام یونانی که خود را نسبت به آن بسیار وارد نشان می دهد تطبیق می دهد. اما ویژگی اساسی اثر یاسون با برداشت بسیار مذهبی آن از یک سو و سبک هیجان انگیز نگارش آن از

کتاب دوم مکابیان ادامه کتاب اول نیست زیرا روایت آن پیش از جلوس آنتیوخوس چهارم آغاز و پیش از مرگ یهودای مکابی به پایان می رسد. اما رویدادهایی که مقدم بر ورود یهودای مکابی به صحنه است در کتاب دوم مکابیان بیشتر مورد شرح و تفصیل قرار گرفته است. کتاب دوم، خلاصه ای از یک اثر پنج جلدی است که اندک زمانی پس از رویدادهای مذکور یعنی اندکی پس از سال ۱۰۶ ق.م توسط یاسون قیروانی نویسنده یهودی الاصل ساکن جامعه مهاجرنشین یهودی قیروان (در لیبی کنونی) به رشته تحریر درآمد و درباره اورشلیم، سازمان اداری سلوکیان، صاحب منصبان دولتی و عناوین آنها بسیار مستند است. یاسون با دارا بودن تعلیم و تربیت یونانی بسیار عمیق و پیشرفته در عین

### آفرینش

یکی از مسائلی که جهان‌شناسی و علم الهیات سامی را از جهان‌شناسی یونانی جدا می‌کند مسأله آفرینش است. قانون بقا که بر اندیشه یونان مسلط بود بر این اصل قرار داشت که «از نیستی هیچ چیز به وجود نمی‌آید» (Ex nihilo nil fit). لوکرس این قانون را پس از طالس تا دوران رواقیون حتی در بین دانشمندانی که همانند طرفداران مکتب ذرات (Atomistes) به وجود عدم و خلأ معتقد بودند تعیین‌کننده ساختار جهان قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد اندیشه جهان‌شناسی یهودیان پیش از دوران کتاب دوم مکابیان مبتنی بر آفرینش جهان توسط خدا از عدم بوده است. این آفرینش در بردارنده عملی نخستین است که آن را برشیت (Bereshit) می‌نامیدند (پید ۱:۱) به این معنی که جهان از عدم مطلق، از بی‌نظمی پر هرج و مرج به هستی آمده و مستلزم سامان‌بخشیدن به این بی‌نظمی ابتدائی با فرمانهایی از قبیل: (Yehi or) «که نور باشد» (پیدایش ۱:۲) است. اغلب نویسندگان عهد عتیق بر مرحله دوم آفرینش یعنی مرحله سازماندهی این بی‌نظمی که در ابتدا آفریده شد تکیه می‌کنند. کتاب حکمت هر چند بعد از کتاب دوم مکابیان نوشته شده باز جهان را از «ماده‌ای بی‌شکل» بدون آن که به آفرینش اولیه این بی‌نظمی ازلی اشاره کند، آفریده خدا می‌داند (۱۷:۱۱-۱۸). وقتی از دهان مادر هفت شهید گفته می‌شود که خدا زمین و آسمان و آنچه را در آن است از هیچ آفریده (۲-مک ۷:۲۸) نویسنده کتاب دوم مکابیان این چنین با رجوع به روایت پید ۱:۱ مسأله

سوی دیگر، با شیوه تلخیص لزوماً مورد دستکاری قرار نگرفته تا جایی که نمی‌توان بین آنچه مربوط به یاسون است و آنچه اثر خامه تلخیص‌کننده است تفاوتی قائل شد و نباید نویسنده را بیش از یک نفر دانست. ترجمه آرامی یا عبری دو نامه نخستین از هفت نامه مندرج در متن را محققاً باید کار تلخیص‌کننده دانست. وی این دو نامه را در آغاز کتاب دوم مکابیان برای توصیف آیین تقدیس معبد که تشکیل‌دهنده مرکز روایت اوست جای می‌دهد (۱:۱۰-۸) تاریخ‌نامه دوم مربوط به سال ۱۲۴ ق.م است و لذا این کتاب اندکی قدیمی‌تر از این تاریخ می‌باشد.

### مفهوم تاریخ

همانند گذشته که تاریخ از دیدگاه هرودوت برقراری مجدد تحول زمانی و تعادل جهانی از سوی پروردگار به شمار می‌رفت نویسنده کتاب دوم مکابیان نیز تاریخ را از زاویه خداشناسی خاتمه‌گرا می‌نگرد. وی تمامی رویدادها را به منزله آثار اراده خدا تفسیر نموده و در این جهت نه تنها عقوبت شکنجه‌گران و خائنان یا شکست دشمنان بی‌دین، بلکه همچنین کسانی که یهودیان را به راه راست هدایت می‌کنند در حیطه اراده خدا قرار دارد. پیروزی یهودای مکابی از دید نویسنده نشانه بازگشت لطف خداوندی است که همانا پاداش رنج شهیدان است. از موعظه‌های شیوائی که به همراه روایت رویدادها می‌آید، آموزشی حاصل می‌شود که بخشی از آن تابع سنت یهود و بخشی دیگر نوین است.

مسیحیت شرق و غرب، توسل به مقدسین از اهمیت عمده‌ای برخوردار بوده و این امر از سوی شورای مذهبی ترانت در حالی که تأکید می‌ورزد تنها منشأ فیض مسیح است تصویب گردید. همین امر در مورد نیایش برای آمرزش درگذشتگان نیز صادق است. لوتر بر این باور بود که عقیده یهودا که در ۲-مک:۱۲:۴۴ آمده نمی‌تواند قانون و قاعده تلقی گردد و به یاد داشته باشیم که پروتستان‌ها کتاب‌های اول و دوم مکابیان را جزو متون برحق نمی‌دانند.

### دومین نامه جشنواره

برخی از بخش‌های کتاب دوم مکابیان نشان می‌دهند که دسته بندی رویدادها در پیرامون معبد اورشلیم تعددی بوده است. با توجه به این امر دومین نامه به ویژه مقدمه آن دارای اهمیت است (۱:۱۰-۲:۱۸). این نامه احتمالاً توسط یکی از کاهنان معاصر یهودا که به شیوه نگارش قدما آشنایی داشته نوشته شده و خطاب به آریستوبول دانشمند، از مشاهیر جامعه یهودی مصر بوده است. هدف عملی آن دعوت یهودا و یهودیان ساکن فلسطین از هم‌کیشان مصری خود برای برگزاری یکپارچه عید تطهیر معبد و تعیین نحوه برگزاری مراسم این جشن است که روز ۲۵ ماه کیسلو سال ۱۴۸ (۱۵ دسامبر ۱۶۴ ق.م) تعیین گردید.

نویسنده نامه برای اجرای مراسم عمومی، برپایی جشن خیمه‌ها را پیشنهاد می‌کند ۱:۱۸ که قبلاً نیز سلیمان نبی به مناسبت تقدیس معبد نخستین آن را پذیرفته بود ۲:۱۲، ر.ک ۱-۸۵:۶۵؛ ۲-توا:۷. اما در مورد تعیین ماه کیسلو، با لحنی بسیار مجلل و خاص در پیوند

اساسی آفرینش را در معرض موشکافی و دقت نظری قرار می‌دهد که در حکم اعلام عهد جدید است، ر.ک کول:۱۵ و ادامه: یوا:۳.

### رستاخیز عادلان

آخرت‌شناسی از نظر نویسنده کتاب دوم مکابیان همان شرح و تفصیل آخرت‌شناسی مذکور در کتاب دانیال است که بیشتر نزدیک به اندیشه فریسیان است که رستاخیز جسم و روح عادلان را تعلیم می‌دهد تا اندیشه کتاب حکمت که در عین تأثیرپذیری از افکار افلاطونی تنها بر سعادت جاودانی روح عادلان تکیه می‌کند. در مورد الیعازر سالخورده به نظر می‌رسد این روایت بیشتر منطبق با منظر اندیشه صدوقیان است (۶:۲۳) ولی پاداش آتی گناهکاران را رد نمی‌کند (۶:۲۶).

### شفاعت

کتاب دوم مکابیان نشانه‌هایی از نوع دیگری از علم الهیات را در خود دارد: مؤثر بودن نیایش و قربانی برای کفاره گناهان مردگان (۲-مک:۱۲:۴۰-۴۵) و متقابلاً شفاعت عادلان متوفی مانند اونیا و ارمیا برای خیریت زندگان (۲-مک:۱۵:۱۱-۱۶)، ایده‌ای است که فیلون اسکندری آن را در اثر خود به نام Exsecrationibus از سر می‌گیرد که در آن از پیدران قوم در زمره شفاعت‌کنندگان نام برده می‌شود.

از دید نویسندگان عهد جدید تنها یک عادل شفیع وجود دارد، عبرانیان ۷:۲۵ (ر.ک. مکا:۵). کلیساهای اصلاح طلب از پرداختن به موضوعات ورای این طفره می‌روند و سرنوشت مردگان را به خدا می‌سپارند. در تاریخ

چهارم مکابیان نیز بر همین منوال است، آنجا که پادشاه تصمیم به شکنجه و مرگ مبارزان در اورشلیم می‌گیرد (ر.ک ۴-مک: ۲۳، ۱:۵، ۱:۸). درباره محل شهادت که یهودیه ذکر شده، سنت انطاکیه محل این شهادت را انطاکیه و نه یهودیه می‌دانست و افسانه هفت برادر و ایلعازر مدت‌های مدیدی در آنجا بر سر زبان‌ها بوده است. به عبارت دیگر تعیین محل شهادت ناشی از نتیجه‌گیری از یک سلسله نوشته‌های کتاب مقدس است. از آن رو که در زمان اختناق مذهبی، جفای اپیفان در یهودیه و انطاکیه بوده لذا چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که شهدا برای تحمل شکنجه و عذاب به انطاکیه انتقال داده شدند.

این روایت انطاکی زمانی پدید آمد که برای نخستین بار مقارن سال ۳۹۰ م، یوحنا دهان طلائی (Jean chrysostome) در انطاکیه در موعظه‌های خود درباره این شهدا به بقایای متبرک آنان در قریانگاهی در مجاورت شهر اشاره کرد. اندک زمانی بعد آگوستین در یکی از موعظه‌های خود به «کلیسای بزرگ مکابیان قدیس در انطاکیه... که مسیحیان برپا کرده بودند» اشاره نمود. در قرن ششم یوحنا مالالاس انطاکی (Jean Malalas) مورخ، پس از بیان فریب یهودیان از سوی یاسون و اختناق آنتیوخوس چهارم (ر.ک ۲-مک: ۵:۵ و ادامه) اضافه می‌کند که آنتیوخوس، ایلعازر و مکابیان را برای عذاب و شکنجه به مکانی در فاصله اندکی از شهر منتقل کرد. در صفحات بعدی در وقایع نامه خود اظهار می‌دارد که فردی به نام یهودا از دیمتریوس پادشاه بقایای مکابیان را دریافت کرد و در «انطاکیه» در محلی به نام کراتئون

با سنتی قدیمی که بخشی از آن به دست فراموشی سپرده شده بود، لازم بود که تطهیر با آتش مقدس صورت گیرد. کاربرد آتش از سوی تعداد زیادی از کسانی که به خصوص در علم تاریخ تبحر داشتند مورد قبول قرار گرفت و بر این نکته تأکید کردند که برابر نوشته‌های تحریفی منسوب به نحمیا و ارمیا، به عنوان مثال نحمیا (۱۸:۱-۳۶، ۱۳:۲) هنگام تقدیس قریانگاه معبد دوم و ارمیا (۱:۲) هنگامی که به تبعیدیان دستور داد با خود آتش مقدس را حمل کنند سابقه داشته است.

### شهادت و ستایش هفت برادر

همدردی و هیجانی که در سبک این روایت به کار رفته، بیان‌کننده احساس منقلب یاسون و تلخیص‌کننده آن است. این رویداد بدون هیچ تردیدی واقعه‌ای تاریخی است (ر.ک ۱-مک: ۶۲-۶۳). عذاب و شکنجه این خانواده پیش از آن که در کتاب دوم مکابیان ثبت شود، با برخی اشاره‌های خاص افسانه‌ای سینه به سینه بازگو می‌شده است. از جمله رقم هفت، حضور پادشاه، تکیه بر قساوت شکنجه که موضوع روایت‌هایی عامیانه و مردمی بوده است. تمام این عوامل در کتاب دوم مکابیان جمع‌اند. نویسنده مطلقاً نامی از مکان شکنجه و نیز نامی از هفت برادر نمی‌برد. در کتاب اول مکابیان و نوشته‌های یوسفوس مورخ نیز همین سکوت برقرار است. آنچه می‌توان گفت این است که برحسب کتاب دوم مکابیان، به نظر می‌رسد محل شکنجه، سرزمین یهودیه بوده است (ر.ک ۲-مک: ۶:۸-۱۱). یک قرن و نیم پس از تلخیص‌کننده، نظر نویسنده کتاب



## پیشگفتار کتابهای مکابیان

رو به غرب نهاد. از همان قرن چهارم در سرزمین گل (فرانسه کنونی) اصطلاحی به زبان لاتین از مکابیان چهارم تحت عنوان *Passio SS Macchaboeorum* (رنج قدیسان ماکابئورم) به طرز وسیعی بر سر زبان ها بود. بقایای متبرک آنان به شهرهای میلان (شمال ایتالیا) و کولونی (آلمان) منتقل گردید و کلیساهایی در شهرهای رم، لیون و وین به نام آنان تقدیس شد و روز یادبود آنان اول ماه اوت (۱۱ مرداد) تعیین گردید. پدران کلیسای قبل از دوران رسمیت مسیحیت آنان را مسیحی به شمار می آوردند و آیین های نیایشی بسیاری در حق آنان برگزار می کردند.

به خاک سپرد و بنا به یک جزوه راهنما به زبان عربی انطاکیه قرن دهم، کلیسایی که آگوستین به آن اشاره می کند کنیسه ای قدیمی بوده که توسط اهالی انطاکیه پس از گرویدن آنها به مسیحیت تبدیل به کلیسا شد و بر قله کوه سیلیپوس، بر فراز غاری که مدفن بقایای عزرا (الیعازر)، هفت برادر و مادرشان «هاسمونیت» قدیس (*Asmunit*) بوده قرار داشت. نام هاسمونیت ریشه هاسامونایا (*Asa-monaia*) یا هاسمونیان است که معادل لاتین مکابئا (*Macchabea*) نام مادر هفت برادر می باشد. موج ستایش از این شهیدان از انطاکیه

# کتاب اول مکابیان ( قسمت اول )

## اسکندر کبیر

آورد و سرزمین‌ها، ملت‌ها و سلسله‌هایی را که بایستی به وی خراج<sup>۱</sup> می‌پرداختند به انقیاد درآورد. <sup>۵</sup> پس از آن بر بستر افتاد و دانست که دارد می‌میرد. <sup>۶</sup> او افسران عالی رتبه و دوستان دوران جوانی اش را دعوت کرد و پیش از مرگ<sup>۷</sup> قلمرو خود را بین آنان تقسیم نمود. <sup>۷</sup> اسکندر هنگامی که مرد دوازده سال سلطنت کرده بود. <sup>۸</sup> افسرانش، هر یک در منطقه‌ای قدرت را به دست گرفتند. <sup>۹</sup> همه بعد از مرگش، دیهیم بر سر نهادند، همان‌گونه که پسرانشان بعد از ایشان به سال‌های دراز<sup>k</sup> بر زمین بدی‌ها افزودند.

<sup>۱</sup> پیش از آن که اسکندر، <sup>a</sup> پسر فیلیپس مقدونی از سرزمین «کتیم»<sup>b</sup> بیرون شود و داریوش، پادشاه پارسیان و مادها را شکست دهد و به جای وی پادشاه گردد، وی بر هلاک<sup>c</sup> سلطنت می‌کرد. <sup>۲</sup> وی درگیر جنگ‌های بی‌شمار گردید، دژهایی را متصرف و پادشاهان آن نواحی را به هلاکت رسانید<sup>d</sup>. <sup>۳</sup> تا اقصای دنیا<sup>e</sup> پیش راند و غنائم ملل بی‌شماری را گرفت. زمین در برابرش خاموش ماند<sup>f</sup>. قلبش به غرور گرائید<sup>h</sup> و به اهتراز<sup>g</sup> درآمد. <sup>۴</sup> لشکری بسیار قوی گرد

- a. تحت اللفظی: و چنین روی داد که... این روایت یونانی، ترجمه روایت عبری است که در یوشع ۱:۱ و داود ۱:۱ هم دیده می‌شود.
- b. «کتیم»: این نام در ابتدا عنوان ساکنان کیتیم در جزیره قبرس بود که بعداً به سراسر جزیره (پید ۱۰:۴) و سپس به جزایر غرب و کرانه‌های دریای اژه اطلاق شد (ار ۲:۱۰). در این متن منظور مقدونیه است (ر.ک. ۱-مک ۸:۵)، بعدها در متون قمران تبدیل به کتیم گردید که احتمالاً به رومیان گفته می‌شد.
- c. هلاک (Hellade) در ارتباط با واژه عبری یاوان (Yavan) است (اش ۶۶:۱۹) که منظور یونان، ایونی و دیگر سواحل تحت تأثیر فرهنگ یونانی در آناتولی (آسیای صغیر شرقی) است. به هر تقدیر این عبارت زیاد واضح نیست.
- d. نویسنده اغراق می‌کند. در بین کسانی که توسط اسکندر به مرگ سپرده شدند، پادشاهی نبوده است.
- e. اصطلاح عبری: ر.ک. اش ۵:۲۶ و غیره.
- f. تحت اللفظی: آرام بود، ر.ک. ۵۰:۷ و غیره، اصطلاح رایج در کتاب مقدس: ر.ک. داود ۳:۱۱ و غیره.
- g. سبک عبری: ر.ک. ۱۳:۱۶؛ تث ۱۷:۲۰؛ حزق ۲۸:۵، ۲۸:۱۷، ۲-توا ۲۶:۱۶.
- h. سبک عبری: ر.ک. ۲-پاد ۱۴:۱۰؛ ۲-توا ۲۵:۱۹.
- i. تحت اللفظی: برایش خراجی فراهم آمد، سبک عبری: ر.ک. داود ۱:۳۰ و غیره.
- j. در واقع تقسیم امپراتوری اسکندر، پس از شکست آنتیگون (Antigone) در ایپسوس (Ipsus) در سال ۳۰۱ روی داد.
- k. مقارن ۱۲۵ سال که شامل دوران حکومت پادشاهان سلوکی در سوریه و پادشاهان لاگید در مصر [و سلوکیان در ایران] می‌شود.

## آنتیوخوس چهارم اپیفان : یونانی‌گرایی در فلسطین (۲-مک ۴: ۷-۱۷)

با ترک عهد مقدس، یوغ بیگانگان را بر  
گردن گذاشته خود را به بدی فروختند.

### لشکرکشی به مصر و تاراج معبد (۲-مک ۵: ۱۱-۲۱)

<sup>۱۶</sup> وقتی که سلطنتش به نظرش استوار  
آمد، آنتیوخوس بدین فکر افتاد که پادشاه  
مصر گردد، تا بر دو قلمرو سلطنت کند.  
<sup>۱۷</sup> با لشکری قوی<sup>۱۷</sup>، با اربابها، فیلها<sup>۱۷</sup>،  
آسواران و ناوگانی بزرگ وارد مصر<sup>۱۸</sup> شد.  
<sup>۱۸</sup> و با بطلمیوس پادشاه مصر جنگ کرد،  
بطلمیوس در برابرش هزیمت کرده گریخت  
و بسیاری زخم مهلک برداشتند.  
<sup>۱۹</sup> آشوریان شهرهای مستحکم سرزمین مصر  
را اشغال کردند و آنتیوخوس غنایم آن را  
متصرف شد.<sup>۲۰</sup> آنتیوخوس، پس از  
شکست دادن مصر به سال<sup>۲۱</sup> ۱۴۳<sup>۱۷</sup> بازگشت  
و با لشکری گران‌علیه اسرائیل و اورشلیم

<sup>۱۰</sup> از آنان نسلی گناهکار بیرون آمد!  
آنتیوخوس اپیفان<sup>m</sup>، پسر آنتیوخوس پادشاه  
که بعد از آن که گروگان روم بود در  
سال ۱۳۷ پادشاه<sup>n</sup> امپراتوری یونان<sup>o</sup> شد.  
<sup>۱۱</sup> در آن روزها در اسرائیل خائنانی<sup>p</sup>  
برخاستند که بسیاری از افراد را گمراه  
کرده می‌گفتند: «برویم با مللی که در  
اطرافمان هستند پیمان ببندیم زیرا از وقتی  
که از آنها جدا شده‌ایم، چه بسیار بدی که  
بر ما وارد شده است.»<sup>۱۲</sup> این گفتار ایشان  
را خوش آمد<sup>q</sup> و برخی از قوم در رفتن  
به سوی پادشاه شتاب ورزیدند که آنان را  
اجازت دهد تا آداب ملت<sup>r</sup>ها را به جا آورند.  
<sup>۱۴</sup> و در اورشلیم، ورزشگاهی طبق رسوم  
۱- قرن ۷: ۱۸ ملت‌ها ساختند.<sup>۱۵</sup> آنها غلغه‌ها<sup>s</sup> نهادند و

۱. در مورد این اصطلاح ر.ک. تث ۲۹: ۱۷ متن یونانی.

m. منظور باید همان کسی باشد که در ۲: ۴۸، ۶۲ توصیف شده است.

n. به موجب عهدنامه آپامئا (Apamée) که در سال ۱۸۸ که پدرش آنتیوخوس سوم امضا کرده بود، در سال ۱۷۶ برادرزاده اش  
دیمیتریوس (Démétrius) پسر برادر ارشدش سلوکوس چهارم جانشین وی گردید. آنتیوخوس چهارم از ۱۷۵ تا ۱۶۴ ق.م  
سلطنت کرد.

o. مقارن دوران سلوکیه که در سوریه در مهر ماه (تشرین) ۳۱۲ آغاز شد. ر.ک. پیشگفتار.

p. تحت اللفظی: پسران خاطی از تورات (ر.ک. ۱: ۳۴، ۱۰: ۶۱، ۱۱: ۲۱؛ ۲-مک ۱۳: ۷) که در متن هفتادتنان به عبری پسران  
بلیعال آمده است (به معنای لغوی: هرزه) ر.ک. ۱- سمو ۲: ۱۲؛ توضیح، ۱: ۲؛ توضیح: ۲- قرن ۶: ۱۵؛ توضیح.

q. تحت اللفظی. این سخن به نظرشان خوش آمد، سبک عبری: ر.ک. پید ۳۴: ۱۸ و غیره.

r. در مورد این اجازه ر.ک. ۲-مک ۴: ۹. برای فسخ مراعات قوانین مورد تأیید منشور سال ۲۰۰ از سوی آنتیوخوس سوم، اجازه  
ملوکانه ضروری بود.

s. عملی که هدف آن محو علامت جسمانی تعلق آنان به قوم بنی اسرائیل بود، ر.ک. ۱- قرن ۷: ۱۸.

t. نخستین نبرد علیه بطلمیوس فیلمتور در سال ۱۶۹. ۲-مک فقط به نبرد دوم اشاره می‌کند که در ۱-مک از قلم افتاده است.

u. اصطلاحی عبری. تحت اللفظی: انبوه سنگینی که ترجمه اش به عبری قوم سنگین می‌شود ر.ک. اعد ۲۰: ۲۰ (در ترجمه فارسی  
خلق بسیار آورده شده).

v. اپیفان به یکی از مواد مذکور در عهدنامه آپامئا که استفاده از کشتی‌های بزرگ و فیل‌ها را ممنوع کرده بود اعتنا نکرد.  
سلوکوس اول ۵۰۰ فیل در آپامئا در مرداب‌های اورونت (Oronte) متمرکز کرده بود. این شهر مرکز تسلیحاتی شد و نقش  
فیل بر سگه‌ها منقوش گردید.

w. مقارن پاییز ۱۶۸ ق.م.

## آپولونیوس در اورشلیم و بنای حصار شهر

(۲- مک ۵: ۲۴-۲۶)

<sup>۲۹</sup> دو سال بعد<sup>a</sup>، پادشاه مأمور وصول مالیات<sup>b</sup> به شهرهای یهودیه فرستاد و با لشکری قابل ملاحظه وارد اورشلیم شدند. ۴۸:۵؛ ۱۰:۷؛ ۲:۱۱

<sup>۳۰</sup> به خدعه با زبان آشتی با ایشان صحبت کرد و به وی اعتماد کردند. بعد ناگهان بر شهر فرود آمده ضربه ای<sup>c</sup> مهلک وارد کرد و بسیاری از اسرائیلیان را به خاک و خون کشید. <sup>۳۱</sup> غنایم شهر را به دست گرفت و آن را در آتش سوزانید، خانه ها و دیوارهای حصار را کوبید. <sup>۳۲</sup> [آشوریان] زنان و کودکان را به اسارت بردند و مواشی را صاحب شدند. <sup>۳۳</sup> سپس شهر داود را با حصاری عظیم و قوی با برج هایی مستحکم<sup>d</sup> از نو ساختند و آن دژ ایشان گردید. <sup>۳۴</sup> در آن نسلی گناهکار جای دادند، مردانی خائن و آنان را در آن جا قوی گردانیدند. <sup>۳۵</sup> ذخیره سلاح و آذوقه تهیه دیدند و غنایم اورشلیم را گرد آوردند، آنان را از آن جا منتقل کرده و از آن دامی بزرگ فراهم

برخواست.

<sup>۲۱</sup> با گستاخی وارد قدس الاقداس شد، قربانگاه زرین، چلچراغ نورانی و همه لوازم آن را گرفت. <sup>۲۲</sup> میز تقدیم، ظروف طهارت، جام ها، کاسه های زرین، سراپرده، تاج ها<sup>x</sup>، تزئینات طلائی را که بر سر در معبد بود و همه لباس ها را گرفت. <sup>۲۳</sup> سیم و زر و اشیاء گران بها را برداشت، همچنین گنجینه مخفی<sup>y</sup> را که پیدا کرده بود. <sup>۲۴</sup> و در حالی که همه چیز را برگرفته بود به کشور خود رفت و کشتاری<sup>z</sup> بزرگ به راه انداخته با گستاخی بسیار سخن گفت.

<sup>۲۵</sup> در سراسر سرزمین ماتمی عظیم بر بنی اسرائیل سایه افکنده بود.

<sup>۲۶</sup> رؤسا و مشایخ به ناله درآمدند،

دوشیزگان و پسران جوان به نیستی رفتند و زیبایی زنان به زوال رفت.

<sup>۲۷</sup> همه آنانی که تازه ازدواج کرده بودند آواز نوحه سردادند

و همسر در حجره به سوگ نشسته بود.

<sup>۲۸</sup> زمین زیر پای ساکنانش می لرزید

و همه خاندان یعقوب شرمگین بود.

من ۱۳۲: ۱۸؛  
آیوب ۸: ۲۲

X- ر. ک. فهرست مشابه در ۱- پاد ۷: ۴۸-۴۹. در مورد سراپرده بیرونی بین دهلیز و قدس یا سراپرده درونی بین قدس و قدس الاقداس (خروج ۲۶: ۳۱-۳۷).

Y- در مورد مقدار آن ر. ک. ۲- مک ۵: ۲۱. گنجینه معبد معمولاً شامل سپرده های افراد نیز بود: ۲- مک ۳: ۱۰-۱۲، ۲۱.

Z- معلوم نیست که این بار کشتار به همراه غارت روی داده باشد. نویسنده ۱- مک تنها رویدادی را که در اینجا در طی نبرد اول آورده شده در نبرد دوم روایت کرده است.

a- محاسبه تخمینی است: در بهار ۱۶۷ ق. م این لشکر ۲۲ هزار نفری از انطاکیه فرستاده شد. در اینجا به سبک عبری دقیقاً دو سال آمده است، ر. ک. پید ۱: ۴۱ و غیره.

b- در متن یونانی مأمور وصول مالیات روایت شده. به عبری: سارهامی سیم (sar hammissim). در واقع اصل متن به زبان عبری باید sar hammusim بوده باشد که به معنای رئیس میزین (Mysien) بوده که میزارک نامیده می شد، ۲- مک ۵: ۲۴، ر. ک. ۱- مک ۳: ۱۰-۱۲.

c- تحت اللفظی: به جراحی نخست آنها را مصدوم گردانید. د. سبک عبری: ر. ک. ۱- سمو ۸: ۱۹ و غیره: جراحی عمیق: ر. ک. ۱- مک ۷: ۲۲؛ ۱۳: ۳۲؛ ۱۴: ۳۶؛ ۱۵: ۲۹، ۳۵.

d- با محل شهر داود در اوئل در جنوب تپه معبد اشتباه نشود. در دوران یونانی گرائی این اصطلاح به معنای شهر مرتفعی است که توسط پادشاهان یهودیه در غرب فرورفتگی تیروپئون (Tyropeon) روی تپه های غربی واقع است.

باشند<sup>۴۲</sup> و همه از رسوم<sup>h</sup> خود دست بردارند. همه ملت‌ها به فرمان پادشاه گردن نهادند.<sup>۴۳</sup> بسیاری از بنی اسرائیل به عبادت<sup>i</sup> او روی خوش نشان دادند، در پای بت‌ها قربانی کردند و سبت را بی‌حرمت نمودند.<sup>۴۴</sup> پادشاه به همراه قاصدانی<sup>j</sup> نامه‌هایی به اورشلیم و شهرهای یهودیه فرستاده ایشان را فرمان داد از رسوم بیگانه در کشور تبعیت کنند.<sup>۴۵</sup> قربانی‌های آتشین، قربانی و هدیه قانونی را از معبد به دور افکنند، سبت و اعیاد را بی‌حرمت دارند،<sup>۴۶</sup> قدس الاقداس و مقدسان را آلوده سازند<sup>۴۷</sup> قربانگاه‌ها، تکیه‌گاه‌های مقدس و بتکده‌ها برپا کرده و دست به قربانی خوک و حیوانات ناپاک بزنند<sup>۴۸</sup> پسرانشان را غیرمختون باقی گذارند و خود به هر کراهت<sup>k</sup> و هر نوع آلودگی و بی‌حرمتی تن در دهند<sup>۴۹</sup> به نحوی که تورات را فراموش کنند و همه فرائض را تغییر دهند.<sup>۵۰</sup> هرکس برابر دستور پادشاه رفتار نکند باید کشته شود.<sup>۵۱</sup> بدین مضامین به همه شهرهای سرزمین‌های خود نوشت، ناظرانی بر همه قوم گمارد و شهرهای یهود را وادار کرد که در هر شهری<sup>l</sup>

نمودند.  
<sup>۳۶</sup> این کمینگاهی برای قدس الاقداس و خصمی بی‌رحم<sup>e</sup> برای همیشه علیه اسرائیل گردید.  
<sup>۳۷</sup> خونی بی‌گناه<sup>f</sup> در اطراف قدس الاقداس جاری کردند و قدس الاقداس را آلوده ساختند.  
<sup>۳۸</sup> ساکنان اورشلیم به جهت آنان پای به فرار نهادند و تبدیل به گروهی بیگانه شدند، بیگانه نسبت به فرزندان نشان و فرزندان نشان آنها را ترک کردند.  
<sup>۳۹</sup> قدس الاقداس آنان چون صحرا بی خلوت گردید،  
 اعیادشان تبدیل به عزا شد، سبت‌هایشان مایه ننگ گردید و افتخارشان به خواری<sup>g</sup> مبدل شد.  
<sup>۴۰</sup> همان قدر که شکوه یافته بود بی‌عزت گردید و شادیش مبدل به عزا شد.

۳۸:۴:۱۲:۲

### آنتیوخوس چهارم اپیفان یهودیت را نابود می‌کند (۲ مک ۱:۶-۱۱)

<sup>۴۱</sup> پادشاه نوشته‌ای به همه سرزمین‌های خود فرستاد که همه فقط یک قوم واحد

e. در متن یونانی: ابلیس که معادل شیطان در زبان عبری است، «خصم» (در اینجا شیریر مانند ۱-توا ۲۱:۱).

f. اصطلاح عبری، ر.ک. مز ۱۰۶:۳۸.

g. اصطلاح عبری: عا ۸:۱۰ و غیره.

h. ر.ک. ۱۳:۱، اما در اینجا مناسک مذهبی قربانی به بت‌ها اضافه می‌گردد. این تصمیم، هستی و وجود یهودیت را به مخاطره می‌افکند. آزادی مذهبی در زمان آنتیوخوس پنجم: ۶:۵۷-۶۱:۲-مک ۱:۱۱-۲۲-۲۶ مجدداً برقرار گردید.

i. منظور عبادت زئوس اولمپی است، ایزد کیهانی و ایزد شخصی پادشاه (ر.ک. دان ۱۱:۳۸) که از دید وی عامل مؤثری برای اتحاد بود (۲-مک ۶:۲). توسعه این عبادت از روی سکه‌های شهرهای سلوکیان تأیید شده است اما مورخان از خود فرمان در تاریخ نامی نبرده‌اند.

j. محتوای نامه‌ها را نویسنده روایت نکرده و تنها فشرده‌ای از آن در ۲-مک ۶:۲-۷ آمده است. ر.ک. دان ۷:۲۵:۸:۱۱:۳۱.

k. نجاست، نجس کردن روان یا روحشان، سبک عبری: ر.ک. لاوا ۱۱:۴۳ و غیره.

l. شمار اعمال خلاف شرع و کفر از حد بیرون بود: دان ۱۱:۳۰:۱۲:۴:۱۰. نویسنده ۲-مک ۶:۷ در این مورد تا به این حد سخت‌گیر نیست.

قربانگاه قربانی های آتشین بود قربانی گذرانندند. ۶۰ زنانی را که پسرانشان را مختون کرده بودند، طبق فرمان به مرگ<sup>۹</sup> سپردند. ۶۱ درحالی که پسران جوانشان را و همچنین خانواده ها و کسانی که آنها را مختون کرده بودند حلق آویز کردند.

۶۲ باوجود این، بسیاری در اسرائیل استوار باقی ماندند و در خود این قوت را یافتند که دست به طعام نجس نبرند. ۶۳ آنان پذیرفتند که بمیرند و با طعام، نجس نشوند و عهد مقدس را بی حرمت نکنند. ۶۴ و خشم و غضبی عظیم علیه بنی اسرائیل بیداد می کرد.

### مرثیه متاتیاس کاهن

۲<sup>۱</sup> در این روزها متاتیاس<sup>۵</sup> پسر یوحنا، پسر سمعان، از میان پسران یهواریب<sup>۴</sup> کاهن اورشلیم قیام<sup>۲</sup> کرد و در مودین<sup>۱۱</sup> مستقر شد<sup>۲</sup> وی پنج پسر

قربانی بگذرانند. ۵۲ بسیاری از میان قوم به آنان پیوستند - همه آنانی که تورات را ترک می گفتند - و در سرزمین مرتکب بدی شدند ۵۳ و کار بنی اسرائیل را به جایی رساندند که همه را وادار کردند در پناهگاه ها مخفی شوند.

۵۴ در روز پانزدهم [ماه] کیسلو به سال ۱۴۵<sup>m</sup> پادشاه «مکروه ویرانی<sup>n</sup>» را بر قربانگاه (قربانی های سوختنی) اعمال کرد و در شهرهای یهودیه و اطراف قربانگاه ها ساختند. ۵۵ در برابر در خانه ها و در میدان ها بخور می سوزاندند. ۵۶ کتاب های توراتی که یافت می شد پس از پاره کردن در آتش افکنده می شد، ۵۷ اگر نزد کسی کتاب عهد یافت می شد و اگر طبق تورات<sup>o</sup> رفتار می کرد بنا به فرمان پادشاه محکوم به مرگ می گردید. ۵۸ با قدرتی که داشتند، بر علیه بنی اسرائیل عمل کردند، بر علیه کسانی که هر ماه در شهرها می یافتند. ۵۹ بیست و پنجم ماه<sup>p</sup> بر قربانگاهی که بر

مت ۱۵:۲۴ و متون متوازی

m. سال ۱۴۵ طبق تقویم سلوکی که از اول بهار شروع می شد. سال ۱۶۷ ق.م طبق تقویم مسیحی.

n. «مکروه ویرانی» که دان: ۲۷:۹، ۳۱:۱۱، ۱۱:۱۲ نیز از آن سخن می گوید منظور قربانگاه زئوس اولمپی است که همسان بعل شمیم (مالک آسمان) فنیقی می باشد و آن را بر بالای قربانگاه بزرگ آتشیین قرار داده بودند.

o. منظور از کتاب های تورات، کتب پنج گانه است که در واقع شامل شریعت موسی است که در فرمان پادشاهی نیز منظور شده بود.

p. روز ۲۵ ماه مراسم جشن تولد پادشاه بود و در این مراسم غائبین مشخص می شدند (۲-مک: ۶:۷). سه سال بعد یهودا هر روز مراسم تقدیس قربانگاه جدید را برپا می کرد (۴:۵۲-۵۳:۲-مک: ۱۰:۵).

q. در ۲-مک: ۶:۱۰ به نظر می رسد که تعداد اعدام ها بسیار تقلیل یافته است.

r. ۱-مک: ۳:۱۰؛ ۳:۹؛ ۳۱:۱۳؛ ۱۴:۱۴؛ ۳۲:۱۴، اصطلاحی کتاب مقدسی: ر.ک. داور: ۱۰:۱-۳:۵؛ ۷:۵ و غیره.

s. این باب فاقد توازی آن در دوم مکابیان است که موضوع متاتیاس را به سود شخصیت یهودا، بازسازی کننده معبد بی حرمت شده به سکوت برگزار می کند. اسم خاص متاتیاس، آوانگاری یونانی شده ماتیتیا (Mattitya) یا ماتیتیا هو (Mattitya-hou) به معنای (موهبت خدا) می باشد. اسم یوسف، مشهور به هاسمونئ است که همانم با سلسله هاسمونیان است.

t. یهواریب رئیس نخستین طبقه از طبقات ۲۴ گانه کهنانت بود (۱-توا: ۲۴:۷). از دیگر فهرست ها و از جمله فهرست قمران چنین برمی آید که این حق تقدم پس از ارتقاء این طبقه به کهنانت اعظم حاصل گردید (۱-مک: ۱۰:۲۰). روایات ۱-توا: ۲۴ و نج: ۱۱ و ۱۲ مجدداً یادآوری شده است.

u. امروزه این منطقه را که در ۱۰ کیلومتری شرق لیدا-لود (Lydd-Lod) قرار دارد، ال میدیا (El-Midya) می نامند که شمعون در آن محل مقبره ای خانوادگی ایجاد نمود (۱۳:۲۷-۳۰).

۱۳ زندگی برای ما دیگر به چه کار می آید؟  
 ۱۴ متاتیاس و پسرانش جامه بر تن دریدند، پلاس در بر کرده ماتمی<sup>x</sup> عظیم به راه انداختند.

### قربانی در مودین

۱۵ مردان پادشاه<sup>l</sup> که بر ارتداد دامن می زدند وارد شهر مودین شدند تا قربانی را اجباری کنند. ۱۶ بسیاری از اسرائیلیان نزد آنان رفتند، اما متاتیاس و پسرانش با هم متفق شدند. ۱۷ مردان پادشاه رشته سخن را به دست گرفته به متاتیاس گفتند: «در این شهر تو رئیسی برجسته و بزرگ هستی که بر پسران و برادران تکیه داری. ۱۸ پس اول تو پیشقدم شو و فرمان پادشاه را اجرا کن همان گونه که همه ملل، مردان یهودیه و کسانی که در اورشلیم باقی مانده اند چنین کرده اند، و تو و پسرانت از جمله دوستان پادشاه<sup>z</sup> خواهید شد و از تو و پسرانت با اهدای زر و سیم و نیز هدایای بیشمار قدردانی خواهد شد.» ۱۹ متاتیاس در پاسخ با صدایی رسا گفت: «وقتی همه ملل امپراتوری پادشاه<sup>a</sup> هر یک با ترک

داشت: یوحنا مشهور به جدی<sup>۳</sup> شمعون مسمی به الطاسی،<sup>۴</sup> یهودا مسمی به مکابی<sup>۷</sup>،<sup>۵</sup> الیعازر مسمی به اوران، یوناتان مسمی به آفوس.<sup>w</sup> ۶ با دیدن کفری که در یهودیه و اورشلیم حاکم بود<sup>۷</sup> گفت:

«وای بر من! آیا برای این به دنیا آمدم که ویرانی قوم خود و ویرانی شهر مقدس را ببینم

و بنشینم، در حالی که شهر به دست دشمنان و قدس الاقداس به دست بیگانگان افتاده است؟

۸ معبدش چون مردی بی ارزش گردیده،  
 ۹ چیزهایی که مایه افتخارش بود به غارت رفته است،

کودکانش در میدان ها کشته شده اند و جوانانش به شمشیر دشمن.  
 ۱۰ کدام ملت است که از قلمروش ارث نبرده باشد

و بقایای آن را تصاحب نکرده باشد؟  
 ۱۱ همه زیورهایش به یغما رفته،  
 از آن آزاده ای که به بردگی دچار شده.

۱۲ و اینک مکان قدس ما، جمال و شکوه ما، بر باد رفته است و ملت ها آن را بی حرمت ساخته اند!

۳۹:۱  
 ۳۸:۴

v- شاید نتوان عنوان مکابی را از ریشه واژه ماکبت به معنی چکش دانست زیرا این القاب در کودکی یا هنگام تولد به کودکان داده می شد. شاید مکابی از واژه نکاب (Naqab) (نشان گذاری) مشتق شده که به معنای «نشان گذاری خدا» بوده باشد، ر.ک. اش. ۲:۶۲.

w- سه تن از پسران جانشین پدر شدند: بهودا ۳:۱، یوناتان ۹:۲۸-۲۹؛ شمعون ۱۳:۸. یوحنا اندکی بعد از بهودا کشته شد ۹:۳۸. الیعازر قهرمانانه در نبرد بیت زکریا جان باخت ۶:۴۶.

x- ر.ک. ۲:۷۰؛ ۴:۳۹؛ ۹:۲۰؛ ۱۳:۲۶. سبک عبری: ر.ک. پید ۵۰:۱۰؛ اع ۸:۲.

y- احتمالاً فیلیپس مأمور تصدی اورشلیم (۲-مک:۵:۲۲) و همراهانش.

z- عنوان دوستان پادشاه لقب افتخاری دربار پادشاهان پارس بود. دوستان پادشاه امتیاز ورود به نزد پادشاه را داشتند (۳:۳۸؛ ۶:۱۰، ۲۸؛ ۱۰:۱۶، ۲۰، ۶۰؛ ۱۱:۲۶، ۵۷؛ ۱۴:۳۹) و بنا به اقتضا مأموریت هایی نیز به آنان واگذار می شد (۶:۱۴؛ ۷:۸؛ ۱۵:۲۸).

a- تحت اللفظی: «سرای سلطنتی پادشاه» سبک آرامی: ۷:۲؛ دان ۴:۲۷؛ ر.ک. ۱-مک:۳:۳۲.

آنچه در شهر داشتند رها کرده به کوهستانها<sup>f</sup> گریختند.

### متاتیاس در صحرا : تجربه و موفقیت

<sup>۲۹</sup> آنگاه بسیاری از یهودیان، در طلب حق و عدالت به صحرا سرازیر شدند تا در آنجا مستقر شوند، <sup>۳۰</sup> خودشان، پسرانشان، زنانشان و دام‌هایشان زیرا بدبختی بر آنها سنگینی می‌کرد. <sup>۳۱</sup> به مردان پادشاه و گروه‌هایی که در اورشلیم در شهر داود بودند خبر دادند که مردانی که از فرمان پادشاه تخطی کرده بودند به سوی مخفیگاه‌های صحرا<sup>g</sup> سرازیر شده‌اند. <sup>۳۲</sup> تعداد زیادی به تعقیب آنها پرداختند و به آنها رسیده در مقابل ایشان موضع گرفتند و در روز سبت آنها را وادار به جنگ کردند <sup>۳۳</sup> و به آنها گفتند: «دیگر بس است! خارج شوید، برابر فرمان پادشاه رفتار کنید تا زندگانی‌تان را نجات داده باشید.» <sup>۳۴</sup> آنان گفتند: «ما خارج خروج<sup>۱۶:۲۹</sup> نخواهیم شد<sup>h</sup> و فرمان پادشاه را که این چنین روز سبت را بی‌حرمت می‌کند، اجرا نخواهیم کرد.» <sup>۳۵</sup> همان دم [آشوریان] علیه آنها وارد جنگ شدند، <sup>۳۶</sup> اما آنان در صدد دفع حمله برنیامدند، به آنان حتی

عبادت پدرانشان خود او را اطاعت می‌کنند و به خاطر دستور وی یکی از دو راه را انتخاب می‌کنند، <sup>۲۰</sup> من، پسرانم و برادرانم، ما عهد پدرانمان را پیروی خواهیم کرد. <sup>۲۱</sup> (خدا)<sup>b</sup> ما را از ترک تورات و فرایض مصون بدارد! <sup>۲۲</sup> ما از دستورهای پادشاه اطاعت نخواهیم کرد: در راه عبادت خود نه به چپ<sup>c</sup> منحرف خواهیم شد و نه به راست.»

<sup>۲۳</sup> وقتی وی از گفتن این سخنان باز ایستاد، از یهودیان یکی جلوی چشم همه برای گذراندن قربانی طبق فرمان پادشاه بر قربانگاه مودین پیش آمد. <sup>۲۴</sup> متاتیاس که این را دید غیرتش به جوش آمد، کمرگاهش لرزید، خشمی<sup>d</sup> به حق زبانه کشید و پیش دویده گلوی او را بر قربانگاه بفشرد. <sup>۲۵</sup> اما درباره فرستاده پادشاه<sup>e</sup> که بر قربانی اصرار می‌ورزید، وی را در همان لحظه کشت و بعد قربانگاه را واژگون کرد. <sup>۲۶</sup> سراپای وجودش از غیرت تورات به جوش آمده بود همان‌گونه که فینحاس، نسبت به «زمری» پسر شالوم کرده بود. <sup>۲۷</sup> و متاتیاس با صدایی رسا در سراسر شهر فریاد برآورد: «هر کس غیرتش برای تورات به جوش آمده و نگاهبان عهد است به دنبال من بیاید!» <sup>۲۸</sup> و او و پسرانش

اعد ۲۵:۶-۱۵

b - ذکر نام خدا به دلیل دقت الهیاتی آمده است، ر.ک. ۱۸:۳ که خوانده می‌شد (باشد که خدا) (بر ما) رحم کند (و ما را از ترک تورات ...) حفظ کند. در زبان یونانی برای رعایت سبک زبان عبری بر «رحمت» تکیه شده است.

c - اصطلاح عبری: ر.ک. ۲- سمو ۱۴:۱۹ و غیره.

d - تحت اللفظی: خشمی بر حسب تورات. غیرت به خاطر تورات از اختصاصات پرهیزکاری آن دوران بود که از تث ۱۳:۷-۱۲ الهام می‌گرفت.

e - یوسفوس در «آثار باستانی یهود» (هشت، ۲۷۰) نام وی را اپلس (Apelles) ذکر می‌کند.

f - ر.ک. ۲- مک ۵:۲۷، منظور کوهستان یهودیه است. ر.ک. نج ۸:۱۵ و شاید لوقا ۳۹:۶۵.

g - منظور غارهایی در صحرای یهودیه واقع در غرب بحرالمت است.

h - میشنا (مجموعه قوانین یهود)، طی کردن بیش از ۲ هزار ذراع (حدود یک کیلومتر) را در روز سبت مجاز نمی‌داند.



دلاور اسرائیلی<sup>۱</sup> که خود را وقف تورات کرده بودند در اطرافشان گرد آمدند. ۴۳ تمام کسانی که به دنبال پناهگاهی دور از این بدی‌ها بودند به آنان پیوستند و برایشان تکیه‌گاهی<sup>m</sup> شد. ۴۴ لشکری فراهم آوردند و از سر خشم گناهکاران را و از سر غضب همهٔ تبهکاران<sup>n</sup> را زدند و بقیه نزد ملت‌ها گریختند تا نجات یابند. ۴۵ متاتیاس و دوستانش گشت می‌زدند، قربانگاه‌ها را ویران کردند، ۴۶ تمام پسران نامختون را که در قلمرو اسرائیل می‌یافتند به زور ختنه می‌کردند، ۴۷ متکبران<sup>o</sup> را دستگیر کرده و هر عمل دست‌هایشان با موفقیت روبه‌رو شد. ۴۸ تورات را از دست ملت‌ها و پادشاهان بیرون آورده نگذاشتند<sup>p</sup> گناهکار<sup>q</sup> پیروزی یابد.

### وصیت و مرگ متاتیاس

۴۹ در روزهایی که متاتیاس به سرانجام خود نزدیک می‌شد<sup>r</sup>، به پسرانش گفت<sup>s</sup>:

سنگی هم پرتاب نکردند و مخفیگاه‌های خود را سد نمودند: ۳۷ گفتند «در جای خود خواهیم مرد، آسمان و زمین شاهد ما هستند که ما را ظالمانه نابود می‌کنید.» ۳۸ پس در حالی که در (روز) سبت بر ایشان حمله می‌کردند، آنان، زنانشان، فرزندانشان و دام‌هایشان مردند، جمعاً هزار<sup>۱</sup> نفر بودند.

۳۹ وقتی دانستند، متاتیاس و دوستانش ماتم عظیمی بر خود گرفتند ۴۰ و به یکدیگر<sup>r</sup> می‌گفتند: «اگر ما هم، همان کنیم که برادرانمان کردند و اگر علیه بیگانگان به خاطر زندگی خود و فرایض خود نجنگیم، آنها خیلی زود ما را از روی زمین ریشه کن خواهند کرد.» ۴۱ پس همان روز تصمیم گرفتند: «هرکس به روز سبت به ما حمله ور شود در مقابلش خواهیم جنگید و همان‌گونه که برادرانمان در مخفیگاه‌های خود مردند، نخواهیم مرد.»

۴۲ نگاه گروهی از حسیدیان<sup>k</sup>، از مردان

- i- یوسفوس در «آثار باستانی یهود» (دوازده، ۲۷۴) تأیید می‌کند که آنان در همان غارها سوختند. ۲- مک: ۶: ۱۱ همین صحنه را که فیلیپس را مسئول آن می‌داند روایت می‌کند.  
 j- سبک عبری: ر.ک. ۱- سمو: ۱۰: ۱۱ و غیره.  
 k- آوانگاری یونانی از زبان عبری (hasidim) به معنای پرهیزکار. ر.ک. ۷: ۱۳: ۲- مک: ۱۴: ۶. این اجتماع باعث به وجود آمدن فرقهٔ اسنیبان و فریسیان گردید.  
 l- سبک عبری: ر.ک. ۸: ۱ و غیره.  
 m- ۲- مک: ۸: ۱ تعداد آنان را ۶ هزار نفر تخمین می‌زند.  
 n- به زبان یونانی بی‌قانون، اصطلاحی که با توجه به واژه تورات (شریعت) متذکر عمق معنای آن می‌باشد ر.ک. ۳: ۵- ۶: ۵: ۵: ۹: ۲۳، ۵۸، ۱۱: ۲۵. این متن در دوم مکابیان وجود ندارد.  
 o- طبق ساختار زبان عبری، ر.ک. ۳: ۳۶، ۵۸ و غیره.  
 p- تحت اللفظی: حتی شاخی به گناهکار ندادند، ر.ک. بنسی: ۴۹: ۵. در کتاب مقدس، شاخ نماد قدرت است، ر.ک. دان: ۷: ۸. در خونخ: ۹: ۹ شاخ بزرگ، یهودا مکابی است.  
 q- واژه گناهکار می‌تواند اسم جمع نیز باشد اما در اینجا به سبک ۱: ۱۰ و ۲: ۶۲ اشاره به آنتیوخوس پادشاه دارد.  
 r- تحت اللفظی: و روزهای متاتیاس برای مردن نزدیک می‌شد. سبک عبری: ر.ک. پید: ۴۷: ۲۹ و غیره.  
 s- این وصیت از سبکی ادبی پیروی می‌کند که از طریق متون مکاشفه‌ای و نوشته‌های ساکنان قبران ترویج یافته بود و یادآور بخش ستایش پدران در بنسی ۴۴- ۵۰ است. دو فضیلت در اینجا مدنظر قرار گرفته است: وفاداری در تجربه و نیز اندیشه شکوه و شهرت (ر.ک. آیه ۶۴: ۳: ۳: ۹: ۱۰ و غیره).

گرديد.	«اینک زمان سلطه تکبر و توهین است،	
۵۸ ایلیا به خاطر جوشش غیرتش برای ۲-پاد ۱۱:۲	زمان سرنگونی و لجام گسیختگی خشم.	
تورات	۵۰ پس اینک فرزندانم، از غیرت برای	
به آسمان برده شد.	تورات بسوزید	
۵۹ حنانيا، عزریا و میشائیل به خاطر ۳ دان	و زندگانی خود را در راه عهد پدرانمان	
اعتمادشان از آتش جستند.	بدهید.	
۶۰ دانیال به خاطر پایداریش <sup>v</sup> ۶ دان	۵۱ به یاد آورید اعمالی را که پدرانمان	
از حلقوم شیر بیرون کشیده شد.	در نسل خود به جای آوردند	
۶۱ همچنین بدانید که از نسلی به نسلی	و شما افتخاری بزرگ و نامی ابدی	
هیچکس از آسانی که به وی امید	به دست خواهید آورد.	
بسته اند زبون نشدند.	۵۲ آیا ابراهیم در تجربه امین نبود	پیدا ۶:۱۵ بنسی ۲۰:۴۴
۶۲ از فرمان‌های مرد گناهکار <sup>w</sup> واهمه	و این برای وی عدالت محسوب نشد؟	
نکنید	۵۳ یوسف، به روزگار پریشانی اش حکم	پیدا ۴۱:۳۷-۴۳
زیرا شکوهش به کود و کرم <sup>x</sup> مبدل خواهد	را نگاه داشت	
شد.	و سرور مصر گردید.	
۶۳ امروز تمجید می شود	۵۴ فینحاس پدر ما به خاطر جوشش	
و فردا وی را دیگر نتوان یافت:	غیرتی (مردانه)	
به خاک خود بازگشته	پیمان کهنانت ابدی یافت.	اعد ۱۳:۲۵
و تدبیرهایش تباہ شده است.	۵۵ یوشع به خاطر تحقق کلام	
۶۴ ای فرزندان همت کنید و به خاطر <sup>y</sup>	بر اسرائیل داور گردید.	
تورات قوی باشید!	۵۶ کالیب <sup>t</sup> به خاطر شهادت در جمع،	اعد ۲۴:۱۴
زیرا توسط آن شکوه خواهید یافت.	میراثی در کشور یافت.	
۶۵ اینک سمعان <sup>z</sup> برادرتان، می دانم که	۵۷ داود به خاطر امانتش <sup>u</sup>	۲ سمو ۱۳:۶
مردی نیک رأی است، همیشه از وی	برای قرن‌ها وارث تخت پادشاهی	

t. مانند بنسی ۹:۴۶، از تمجید کالیب که به دنبال تمجید فینحاس و یوشع آمده می توان چنین استنباط کرد که نویسنده کتاب اول مکابیان از کتاب عیسی بن سیراخ مطلع بوده است.

u. اصطلاح زبان عبری: این واژه در زبان یونانی *Eléos* (به معنای رحمت است که در زبان عبری معمولاً به *dhessedâ* یعنی وفاداری، رحمت یا شایستگی ترجمه می شود. این متن تأیید کرده است که در ۲-پاد ۴۲:۶ (ر.ک. اش ۵۵:۳) به درستی به شایستگی های داود اشاره شده. در زمره این اعمال نیکو، استقرار صندوقچه عهد در اورشلیم نیز منظور شده است.

v. نویسنده از کتاب دانیال مطلع بوده است، ر.ک. ۱:۵۴.

w. منظور از مرد گناهکار، احتمالاً آنتیوخوس اپیفان است، ر.ک. ۱:۱۰، ۲:۴۸.

x. قسمت دوم این آیه احتمالاً اشاره به پایان کار آنتیوخوس اپیفان دارد، ۲-مک ۹:۹.

y. اصطلاحی که در متن هفتادتنان، ترجمه ای از سبک عبری است که در تث ۳۱:۶ و غیره نیز دیده می شود.

z. نام سامی پسر دوم متانیا که در جاهای دیگر به نام یونانی سیمون آمده به خاطر هماوایی انتخاب شده است، آیه ۳، ۱۷:۵ و غیره، ر.ک. اع ۱:۴.

اطاعت کنید: اوست که پدر<sup>a</sup> شما خواهد شد. ۶۶ اما درباره یهودا مکابی که از جوانی دلاور بود، او فرمانده لشکر شما خواهد بود و جنگ را علیه قوم‌ها ادامه خواهد داد. ۶۷ و شما به همه کسانی که به تورات عمل می‌کنند بپیونید و انتقام<sup>b</sup> قوم خود را بگیرید. ۶۸ به بیگانگان همان بدی<sup>c</sup> را رسانید که با شما کرده‌اند و به حکم تورات بپیونید. ۶۹ سپس آنها را برکت داد و به پدران<sup>d</sup> خود پیوست. ۷۰ وی در سال ۱۴۶<sup>e</sup> درگذشت و در قبر پدران خود در مودین به خاک سپرده شد و همه بنی اسرائیل برایش ماتمی<sup>f</sup> بزرگ گرفتند.

### در ستایش یهودای مکابی

۴-۱:۲ **۳** <sup>۱</sup>پسرش، یهودا موسوم به مکابی به جایش برخاست. <sup>۲</sup>همه برادرانش و همه کسانی که به پدرش وابسته بودند به یاری وی شتافتند و نبرد بنی اسرائیل را با شادمانی ادامه دادند.

<sup>۳</sup>وی افتخارات قومش را گسترش داد، همچون قهرمانی زره بر تن کرد و سلاح نبرد را بر خود حمایل نمود و اردو را با شمشیرش محافظت کرده جنگ‌ها برپا کرد

<sup>۴</sup>در عملیات بسان شیر بود و چون بچه شیری غرنده بر طعمه اش. <sup>۵</sup>بی قانونان را تعقیب کرده می‌راند و آشوبگران قومش را به آتش می‌سپرد. <sup>۶</sup>با ترسی که القاء کرده بود بی قانونان عقب نشسته همه بدکاران وحشت زده شدند و نجات به دست وی تحقق یافت. <sup>۷</sup>پادشاهان<sup>g</sup> چندی را از تلخکامی مملو ساخت، با عملیات چشمگیرش مایه شادی یعقوب گردید و خاطره اش جاودانه متبارک خواهد ماند. <sup>۸</sup>شهرهای یهودیه را در نوردید و بی‌دینان را نابود کرد و غضب را از اسرائیل برگردانید. <sup>۹</sup>نامش تا آن سوی زمین طنین افکند و کسانی را که رو به نیستی<sup>h</sup> بودند، گرد آورد.

### پیروزی یهودای مکابی

#### بر آپولونیوس و سرون

<sup>۱۰</sup>آپولونیوس، مشرکان و گروه بسیاری از سامریان را برای جنگ با بنی اسرائیل<sup>i</sup> بسیج کرد. <sup>۱۱</sup>یهودا این را دانست و به

a- تحت اللفظی: شما را پدر خواهد بود (متن احتمالی)، ساختار عبری.

b- تحت اللفظی: از انتقام، انتقام بگیرید. سبک عبری: ر.ک. ۹:۴۲؛ اعد ۳۱:۲.

c- تحت اللفظی: سزایی دهید [درخور] سزای مشرکان. سبک عبری: ر.ک. یول ۴:۴.

d- اصطلاح عبری در مورد پدران قوم (بید ۸:۲۵ و غیره)، رؤسای قوم و پادشاهان (داور ۲:۱۰-۲؛ یاد ۲۰:۲۲-۲؛ توا ۳۴:۲۸). متاتیباس در زمره مردان بزرگ عهدعتیق آورده شده که مانند یعقوب و موسی قبل از مرگ دعای برکت می‌خواند.

e- در بهار سال ۱۴۶ ق.م. ر.ک. ۳:۱۰، ۳۷.

f- ر.ک. ۱۴:۲، توضیح.

g- منظور از این پادشاهان آنتیوخوس چهارم اپیفان، آنتیوخوس پنجم اوپاتور و دیمیتریوس اول سوتر است.

h- شاید به جلای وطن یهودیان پراکنده در جلیل و ماوراء رود اردن اشاره دارد (ر.ک. ۷:۱۴، توضیح).

i- لشکرکشی دراز مدت آپولونیوس و سرون در بهار و تابستان سال ۱۴۶ ق.م روی داد.

امراسانی است که بسیاری به دست اندکی<sup>k</sup> ۱ سمو ۱۴:۶ گرفتار آیند، و در برابر آسمان<sup>۱</sup> نجات را با بسیار یا اندک تفاوتی نیست. ۱۹ زیرا پیروزی در جنگ به کثرت دسته‌ها ارتباط ندارد، از آسمان است که قدرت می‌رسد. ۲۰ آنان با گستاخی و بی‌انصافی علیه ما گام برمی‌دارند تا ما، زنان و کودکان ما را نابود کنند و ما را چپاول نمایند<sup>۲۱</sup> اما ما به خاطر زندگانی و رسوم خود می‌جنگیم. ۲۲ اوست که ایشان را در برابر ما درهم خواهد شکست، از آنان ترسی نداشته باشید.<sup>m</sup>»

۲۳ همین که از سخن گفتن بازماند ناگاه بر آنان حمله ورشد و سرون و لشکریانش در برابر وی درهم شکستند. ۲۴ [یهودیان] در سراسیمی بیت حورون تا دشت آنها را ۱۰:۱۰ یوشع ۱۰:۱۰ تعقیب کردند. از بین آنان در حدود هشتصد مرد از پای افتادند و بقیه به سرزمین فلسطین<sup>n</sup> گریختند. ۲۵ ترس از یهودا و بردارانش شروع شد و وحشت، ملل پییرامون را فراگرفت. ۲۶ نامش به (گوش) پادشاه رسید و بیگانگان دربارهٔ نبردهای یهودا تعبیر و تفسیر می‌کردند.

مقابله اش رفت، وی را شکست داده کشت؛ بسیاری از مجروحان به حال مرگ افتادند و بقیه فرار کردند. ۱۲ غنایمیش را گرفتند، یهودا شمشیر آپولونیوس را برداشت و همیشه از آن در نبرد استفاده می‌کرد. ۱۳ سرون، فرمانده لشکر آشور دانست که یهودا گروهی را گرد آورده و دسته‌ای از افرادی که به وی وفادارند به سوی نبرد گام برمی‌دارند. ۱۴ گفت: «شهرتی کسب خواهیم کرد و خود را در این قلمرو به افتخار ملبس خواهیم نمود. با یهودا و همراهانش و کسانی که فرمان پادشاه را خوار می‌دارند خواهیم جنگید». ۱۵ او کارزار را از سرگرفت و با وی لشکری نیرومند از بی‌دینان برای کمک به او برآمدند تا از بنی اسرائیل انتقام کشند. ۱۶ تا نزدیک بلندی‌های بیت حورون<sup>۱</sup> پیش آمد و یهودا با شمار اندکی از مردان به مقابله اش شتافت. ۱۷ وقتی آنان لشکری را که به مقابله شان می‌آمد دیدند به یهودا گفتند: «چگونه خواهیم توانست از عهده این دسته قوی برآیم درحالی که شمار ما اندک است؟ ما از بای درآمدیم و امروز چیزی هم نخورده ایم!»<sup>۱۸</sup> یهودا گفت: «این

۱- یهودا فتوحات یوشع را تجدید می‌کند (یوشع ۱۰): ارتفاعات بیت حورون (یوشع ۱۰:۱۱) مسیر اجباری دشت ساحلی در فلات یهودیه است. دانه ۲۴ از سرازیری بیت حورون نام برده شده که در رأس جازر واقع است، ۴:۱۵. ر. ک. یوشع ۱۰:۳۳ و غیره.

k- ر. ک. ۱- سمو ۱۷:۴۶؛ مز ۸:۲۰-۹. در اینجا به مضمون جنگ مقدس برمی‌خوریم. ر. ک. یوشع ۲۳:۳، توضیح. l- به خاطر رعایت احترام، نویسنده کتاب اول مکابیان از بردن نام خدا پرهیز می‌کند. ر. ک. ۳:۵۰، ۴:۱۰، ۴۰:۵۵، ۹:۴۶؛ ۱۲:۱۵؛ ۱۶:۳.

m- تشویق و ترغیب به سبک کتاب تئیه، ر. ک. تث ۱:۲۹؛ ۳:۱۸-۲۲؛ ۹:۱-۶.

n- سهو تاریخی: نویسنده کتاب اول مکابیان وقایع را به صورت تجدید تاریخ باستانی اسرائیل نشان می‌دهد، هنگامی که یونانان و داود فلسطینیان را وادار به هزیمت کرده آنان را به سوی شهرهایشان فراری دادند (ر. ک. ۱- سمو ۱۴:۱۷؛ ۲- سمو ۵). اما پس از هجوم آشوریان (قرن هشتم ق. م) سرزمین فلسطین دیگر به صورت کشوری مستقل وجود نداشت.

پول زیادی فراهم آورد. <sup>۳۲</sup> او لیسئاس <sup>۲</sup> را که شخصیتی روشنفکر و از خانواده سلطنتی <sup>۵</sup> بود در رأس امور <sup>۴</sup> از فرات تا مرزهای مصر گمارد <sup>۳۳</sup> و او را تا بازگشت خود مأمور تربیت پسرش، آنتیوخوس <sup>۱۱</sup> کرد. <sup>۳۴</sup> نصف لشکریان و فیل‌ها را به وی واگذار و اراده خود را به ویژه درباره ساکنان یهودیه و اورشلیم به وی کلمه به کلمه بیان کرد. <sup>۳۵</sup> وی باید علیه آنان لشکری برای نابود کردن و بیرون راندن قوای اسرائیل و آنچه در اورشلیم باقی مانده بود گسیل دارد و خاطرۀ آنان را از آن مکان بزداید. <sup>۳۶</sup> پسران بیگانه <sup>۷</sup> را بر تمامی سرزمین آنها مستقر گرداند و کشورشان را بر حسب قرعه <sup>۱۱</sup> تقسیم کند. <sup>۳۷</sup> پادشاه نیمۀ لشکریان را که برای خود باقی مانده بود برداشت و به سال صد و چهل و هفت <sup>۸</sup> از انطاکیه پایتخت خویش به راه افتاد، فرات را درنوردید و به مناطق علیای <sup>۹</sup> آن رسید.

**آنتیوخوس چهارم در حال عزیمت به پارس، لیسئاس را به نیابت برمی‌گزیند**  
<sup>۲۷</sup> وقتی آنتیوخوس پادشاه این را دانست، لبریز از خشم گردید و فرمان گردآوری همه لشکریان کشورش را که لشکری بسیار قوی بود داد. <sup>۲۸</sup> خزانه خود را گشود، دستمزد یک سال لشکر را پیش بداد و به ایشان فرمان داد آمادۀ هر پیشامدی باشند. <sup>۲۹</sup> پس او متوجه شد که در صندوق هایش پول کم دارد و خراج استان‌ها، به دنبال نفاق‌ها و بلایایی که او در کشور با حذف رسومی که از روزهای نخستین وجود داشت به راه انداخته بود تقلیل یافته <sup>۱۰</sup> است. <sup>۳۰</sup> همان‌طور که بارها پیش آمده بود، از آن می‌ترسید که برای هزینه‌ها و بذل و بخشش‌هایی که مثل سابق با دستی گشاده و با سخاوت‌مندی انجام می‌داد، بیش از پادشاهان پیشین، پول نداشته باشد. <sup>۳۱</sup> در این ناراحتی شدید، تصمیم گرفت به پارس <sup>۱۱</sup> برود و خراج‌های استان‌ها <sup>۹</sup> را گرفته

- o- مفاد مالی بسیار سخت و جدی عهدنامه‌آپامئا (۱۸۸ ق.م) که با ولخرجی‌های آنتیوخوس چهارم (۳:۳۰) خزانه سلوکی‌ها را تحت فشار قرار می‌داد.
- p- منظور کلیه سرزمین‌های ماوراء فرات است.
- q- یکی از اهداف این جنگ فتح مجدد ارمنستان بود.
- r- شخصیتی که پولیب (Polybe) نیز به وی اشاره می‌کند.
- s- سبک عبری، تحت اللفظی: خویشاوند سلطنت، ر.ک. ۲-مک ۱:۱۱:۱:۴۱. این لقب بالاترین عنوان افتخاری در دربار سلوکی‌ها بوده است. ر.ک. ۱-مک ۱۰:۸۹. ر.ک. طبقه سلطنتی. ۱-پادا ۱۱:۱۴ و غیره، تخت سلطنت ۷:۴ و غیره، سرای پادشاهی ۲:۱۹ و غیره.
- t- منظور وزیر پادشاهان سلوکی است، ۲-مک ۳:۷، ر.ک. ۲-مک ۱:۱۰:۱۱:۱:۱۳:۲.
- u- فیلیپس مریوی گردید (۶:۱۴:۲-مک ۹:۲۹). آنتیوخوس پنجم اپاتور، به سال ۱۶۱ ق.م پس از دو سال سلطنت (۷:۱-۴) به قتل رسید.
- v- عین همین اصطلاح در آیه ۴۵ و حزق ۴۴:۷ آمده است. در زبان یونانی احتمالاً از اصطلاح عبری ترجمه شده است (پسر بیگانه) که منظور همان بیگانه است.
- w- پس از بیرون راندن یا فروش یهودیان یاغی (۲-مک ۸:۹-۱۱) لیسئاس می‌بایست بر حسب رسم سلوکیان تمام اراضی را مصادره و به مهاجرنشینان بیگانه بفروشد (ر.ک. دان ۱۱:۳۹) تا به این ترتیب سرزمین یهودیه جزو متصرفات سلطنتی درآید.
- x- در بهار سال ۱۶۵ ق.م.
- y- فلات ایران.

## نیکانور و جرجیاس

(۲- مک ۸: ۸-۱۵)

<sup>۳۸</sup> لیسسیاس، از میان دوستان پادشاه، بطلمیوس پسر دوریمانس، نیکانور و جرجیاس<sup>z</sup> را که از شخصیت‌های مقتدر بودند برگزید، <sup>۳۹</sup> و با آنان چهل هزار<sup>a</sup> مرد پیاده و هفت هزار سوار برای تصرف سرزمین یهودیه اعزام داشت تا به فرمان پادشاه آن‌جا را با خاک یکسان کنند. <sup>۴۰</sup> آنان با همه لشکریان عزیزت کرده و در نزدیکی عموآس<sup>b</sup> در سرزمین سفلی، موضع گرفتند. <sup>۴۱</sup> وقتی بازرگانان ناحیه سخنان آنان را شنیدند<sup>c</sup>، به مقدار زیاد زر و سیم و همچنین طوق<sup>d</sup> با خود برداشته به سوی اردوگاه شدند تا بنی اسرائیل را به بردگی برند. دسته‌ای آشوری<sup>e</sup> و از سرزمین فلسطین<sup>f</sup> نیز همراه ایشان رفت. <sup>۴۲</sup> یهودا و برادرانش دیدند که بدبختی در حال افزایش است و لشکریان [دشمن] در سرزمین آنان اردو زده‌اند؛ همچنین از فرمانی که پادشاه دربارهٔ ویرانی قوم و نابودی آنان داده بود، باخبر گشتند.

<sup>۴۳</sup> آنها به یکدیگر می‌گفتند: «ویرانی‌های قوم خود را آباد سازیم و برای قوم خود و مکان‌های مقدس بجنگیم.» <sup>۴۴</sup> مردم برای آمادگی رزم و همچنین برای نیایش و استغاثه و طلب رحمت و بخشایش گرد آمدند. <sup>g</sup>

<sup>۴۵</sup> آنگاه اورشلیم چون صحرائی خالی از سکنه گردید

و از فرزندانش نه کسی داخل می‌شد و نه کسی خارج می‌گشت،  
قربانگاه لگدکوب شده  
و پسران بیگانه در قلعه بودند  
که کاروان سرای مشرکان شده بود.  
آسایش از یعقوب رخت بر بست!  
نه نوای نی و نه سه تار!

## گردهمایی در مصفه

(۲- مک ۸: ۱۶-۲۳)

<sup>۴۶</sup> آنان دور هم گرد آمده به «مصفه<sup>h</sup>» در برابر اورشلیم آمدند زیرا در گذشته برای اسرائیل در مصفه محلی برای نیایش بود. <sup>۴۷</sup> آن روز را روزه گرفتند، پلاس

Z در ۲- مک ۸: ۹ جرجیاس معاون نیکانور است، بعداً وی فرمانده لشکر منطقه ادوم گردید، ۲- مک ۱۲: ۳۲.  
a مقایسه شود با ۲۰ هزار مرد در ۲- مک ۸: ۹، اما تشابه آن با ۱- تو ۱۹: ۱۸ شاید شاهدهی برای تکیه بر دستاوردهای افتخارآمیز گذشته باشد.

b موقعیتی سوق الجیشی که دسترسی به اورشلیم را از ارتفاعات بیت حورون ممکن می‌کرد، ر. ک. ۹: ۵۰.  
c تحت اللفظی: نام خود را شنیدند. اصطلاحی از ترجمه هفتادتنان، ر. ک. پید ۲۹: ۱۳؛ اعد ۱۴: ۱۵. طبق ۲- مک ۸: ۱۰ نیکانور بود که خریداران را دعوت می‌کرد.

d در متن یونانی باید خوانده می‌شد پداس Pedas که به معنای طوق است و نه پدایاس Pedias به معنای کودک.  
e در اصل عبری احتمالاً «آرام» بوده که در زبان یونانی به «سوری» تغییر یافته است. در واقع «ادوم» با توجه به متن متناسب‌تر است و این به لحاظ تلفظ حروف ر و م بوده که در آن زمان یکسان تلفظ می‌شد.

f تحت اللفظی: سرزمین آلوپیل Allophyles (= بیگانه) نامی که در متن هفتادتنان اغلب به فلسطین ترجمه شده است (واژه‌ای که در ۳: ۲۴ آمده). همچنین در ۱- مک ۴: ۵؛ ۱۱ و ۲- مک ۱۰.

g مجمع باستانی گردهمایی مردم مجدداً احیا می‌شود ر. ک. افسانه‌های پول خردهای حسیدیان: مجمع یهودیان  
h مصفه (میصفا در عبری) احتمالاً واقع در تل عین نقبه ۱- پاد ۱۵: ۲۲؛ ار ۴۰-۴۱ یا به احتمال بیشتر در نبی سموئیل، (سامویل) در بالای جبعون که به تصرف سلیمان درآمد. ۱- پاد ۳: ۴؛ ر. ک. داور ۲۰: ۱؛ ۱- سمو ۷: ۵-۷.

با این ملت‌ها که علیه ما گرد آمده‌اند، تا ما و مکان مقدس ما را نیست گردانند بجنگید<sup>۵۹</sup> زیرا ما را کشته شدن در جنگ بهتر است تا دیدن بدبختی‌های قوم و مکان مقدس خود.<sup>۶۰</sup> و هر چه خواست وی در آسمان است، همان شود.»

### پیروزی عموآس

(۲-مک ۸: ۲۳-۲۹، ۳۴-۳۶)

۴<sup>۱</sup> جرجیاس با خود پنج هزار پیاده و هزار سوار منتخب برداشت و لشکر شبانگاه حرکت کرد<sup>۲</sup> به شیوه‌ای که بر لشکر یهودیان فرود آمده آنها را غفلتاً زد و افراد قلعه به منزله راهنما برایش بودند.<sup>۳</sup> یهودا که این را دانست، وی و دلاورانش برای در هم شکستن لشکریان پادشاهی که در عموآس بودند، حرکت کردند،<sup>۴</sup> هنگامی که دسته‌ها هنوز در بیرون اردو پراکنده بودند.<sup>۵</sup> جرجیاس شبانه وارد اردوی یهودا شد و کسی را نیافت، به دنبال آنها به کوهستان‌ها برآمد، زیرا می‌گفت: «از برابر ما می‌گیرند.»<sup>۶</sup> با دمیدن روز، یهودا با سه هزار مرد در دشت پدیدار شد، منتها اینان نه سلاح‌ها و نه شمشیرهایی را که می‌خواستند نداشتند،<sup>۷</sup> اردوی ملت‌ها را دیدند، قوی و مستحکم و سوارهایی که گرداگردشان همه به کارزار

پوشیدند، بر سرشان خاکستر ریختند و جامه بر تن دریدند.<sup>۴۸</sup> کتاب تورات را گشودند تا در آن شرح خدایان دروغین بیگانگان را باز یابند.<sup>۴۹</sup> جامه‌های کهانت، نوبرها و عشریه‌ها را آوردند و نذیره‌ها را که روزهای نذرشان به سرآمده بود حاضر کردند.<sup>۵۰</sup> و با تمام قوای خود به سوی آسمان فریاد برآوردند: «با این اشخاص چه کنیم و آنها را به کجا ببریم؟»<sup>۵۱</sup> مکان مقدس تو لگدمال و بی حرمت شده، کاهنان در ماتم و سرافکنندگی اند<sup>۵۲</sup> و اینک بیگانگان برای محو کردن ما با هم این جا گرد آمده‌اند. تو می‌دانی که آنها بر ضد ما چه اندیشه‌هایی دارند.<sup>۵۳</sup> اگر تو به یاری ما نشتابی، چگونه خواهیم توانست در برابر آنان مقاومت کنیم؟»<sup>۵۴</sup> سپس در کرناها دمیدند و فریادهای بلند برآوردند.<sup>۵۵</sup> بعد از آن، یهودا روسای قوم را منصوب کرد، رؤسای هزار، صد، پنجاه و ده<sup>k</sup> را.<sup>۵۶</sup> به کسانی که خانه‌ای بنا می‌کردند یا به تازگی نامزد شده بودند یا تاکی نشانده بودند یا ترس داشتند دستور داد که برابر تورات<sup>۱</sup> هر یک به خانه‌هایشان باز گردند.<sup>۵۷</sup> لشکر عزیمت کرد و در جنوب عموآس موضع گرفت.<sup>۵۸</sup> یهودا گفت: «مجهز شوید، مانند شجاعان<sup>m</sup> رفتار کنید و برای فردا صبح آماده باشید تا

۱. باخواندن اتفاقی یک جمله، کلید حل موضوع به دست می‌آمد (۲-مک ۸: ۲۳). از سوی دیگر چنین روشی برای مشورت در کتاب مقدس دیده نمی‌شود.

۲. پرسش یهودیان از خود این بود که مراسم پایانی نذیره‌ها را کجا باید برگزار کنند زیرا معبد که در گذشته محل چنین مراسمی بود آن موقع از دسترس ایشان خارج بود.

k. همانند اسنیان، یهودای مکابی نیز به ویژه از سازماندهی مفروض قوم یهود در هنگام خروج از مصر (۲۱: ۱۸) الهام پذیرفته بود. برای رؤسای هزار و صد: ۲- سمو ۱: ۱۸، در مورد پنجاه: ۲- پاد ۱: ۹، ۱۴.

۱. چنین معافیت‌هایی احتمالاً نشانه تأثیر و نفوذ حسیدیم‌ها بوده است، ۲: ۴۲.

m. تحت اللفظی: پسران قدرت. ساختار عبری، ر. ک. ۲- سمو ۲: ۷.

کشیده شده بودند.<sup>۸</sup> یهودا به همراهانش  
 ۳:۲۰ گفت: «از شمار زیادشان نترسید، از  
 حمله شان مهراسید. <sup>۹</sup> بیاد آورید که پدران  
 ما وقتی فرعون با لشکری آنها را تعقیب  
 می کرد از دریای سرخ نجات یافتند <sup>۱۰</sup> و  
 ۱۸:۳ اکنون به سوی آسمان فریاد برآوریم، به این  
 امید که از ما بپذیرد و عهد پدران را به یاد  
 آورد و امروز این لشکر را در برابر ما در هم  
 شکند <sup>۱۱</sup> و همه ملت ها خواهند دانست که  
 کسی هست که اسرائیل را رهایی داده  
 نجات می بخشد.» <sup>۱۲</sup> بیگانگان چشم ها را  
 برافراشته و چون یهودیان را دیدند که به  
 مقابله شان می آیند <sup>۱۳</sup> برای نبرد از اردو  
 بیرون شدند. افراد یهودا در کرناها دمیدند  
<sup>۱۴</sup> و دست به شمشیر بردند. بیگانگان  
 درهم شکستند و به سوی دشت گریختند  
<sup>۱۵</sup> و دسته های آخر همه به زیر شمشیر  
 افتادند. آنها را تا جازر<sup>n</sup> و تا دشت های  
 ادومیه<sup>o</sup>، اشدود<sup>p</sup> و یمنیا<sup>q</sup> دنبال کردند؛ از  
 میان شان سه هزار مرد افتادند.  
<sup>۱۶</sup> یهودا با دسته هایش از تعقیب آنها  
 بازگشته <sup>۱۷</sup> به قوم گفت: «حریص غنایم  
 نباشید، زیرا نبردی در انتظار ماست؛  
<sup>۱۸</sup> جرجیاس و گروه هایش در کوهستان  
 نزدیک ما هستند: اینک در برابر دشمنان،

استوار بایستید و با آنها بجنگید، بعد از  
 آن در کمال آزادی غنایم را برخواهید  
 داشت.» <sup>۱۹</sup> یهودا حرف خود را تمام نکرده  
 بود که همه ای از بالای کوهستان  
 برخاست. <sup>۲۰</sup> آنها دیدند که افراد ایشان در  
 حال هزیمت اند و اردویشان به آتش کشیده  
 شده است: دودی که دیده می شد نشان  
 می داد که چه روی داده است. <sup>۲۱</sup> با دیدن  
 این وضع و با مشاهده این که لشکر یهودا  
 در دشت آماده کارزار است، آنان را ترسی  
 بزرگ فرا گرفت، <sup>۲۲</sup> همه به سوی سرزمین  
 فلسطین گریختند. <sup>۲۳</sup> یهودا برای غارت  
 اردو بازگشت؛ طلا و نقره بسیار، پارچه  
 مخمل بنفش و مخمل دریائی<sup>r</sup> و ثروت های  
 عظیم برگرفتند. <sup>۲۴</sup> یهودیان آسمان را  
 ستایش کرده و مبارک خواندند: «زیرا  
 امانت وی نیکو و جاودانه است.» <sup>۲۵</sup> این  
 روز پیروزی بزرگی برای اسرائیل بود.  
<sup>۲۶</sup> بیگانگانی که گریخته بودند آمده  
 آنچه را روی داده بود به لیسایس بازگفتند.  
<sup>۲۷</sup> با این خبر، پریشان گردید و همت  
 خویش را از دست داد زیرا جریان امور  
 برای اسرائیل آن گونه که خواسته بود واقع  
 نشد و آنچه را پادشاه به وی دستور داده بود  
 به انجام نرسانده بود.

مز ۱:۱۱۸، ۲۹:  
 ۲۰:۲۱

n. جازر نامی آرامی است که در ۳۵ کیلومتری شمال غربی اورشلیم قرار دارد، ر.ک. ۱۶:۳؛ ۵۲:۹؛ ۴۳:۱۳-۴۴؛ ۲۸:۱۵؛ ۲-مک ۱۰:۳۲ و غیره.

o. ادومیه به بخش غربی ادوم در جنوب یهودیه مربوط است.

p. ر.ک. یوشع ۱۱:۲۲ و غیره.

q. «بینه» (Yavne ۲-توا ۲۶:۶) یا بینیل (Yavneel یوشع ۱۱:۱۵).

r. از محصولات بندر صور. مخمل دریایی (به عبری آرگامان (Argaman) به رنگ قرمز تیره و سیر یعنی مخمل سرخ) خروج ۲۵-۲۹. مخمل بنفش هم هست که به عبری تکلت (Tekelet) می گویند.



## نخستین لشکرکشی لیسپاس (۲-مک ۱۱:۱-۱۲)

۲۸ سال بعد<sup>s</sup> لیسپاس شصت هزار مرد برگزیده و پنج هزار سوار برای پایان کار یهودیان برداشت. <sup>۲۹</sup> آنان در ادومیه موضع گرفته به بیت صور<sup>t</sup> درآمدند. یهودا با ده هزار مرد جنگی به مقابله آنان شتافت <sup>۳۰</sup> با دیدن این لشکر قوی، این نیایش را به جای آورد: «ای منجی اسرائیل تو متبارکی، تو که حمله غول را به دست خادم خود داود در هم شکستی و لشکر فلسطینی ها را به دست یوناتان پسر شائول و مهتر وی سپردی. <sup>۳۱</sup> به همان شیوه این لشکر را در دست قوم خود اسرائیل ببند و آنان از گروه ها و سوارانشان جز شرمساری نصیبی نداشته باشند. <sup>۳۲</sup> در ایشان سستی ایجاد کن، شهادتی را که به خاطر نیرویشان دارند زائل گردان و با در هم شکسته شدنشان، به لرزه درآیند. <sup>۳۳</sup> آنان را به ضرب شمشیر کسانی که ترا دوست دارند و تمام کسانی که نام تو را می شناسند و تو را با سرودها ستایش می کنند واژگون گردان.» <sup>۳۴</sup> رزم را آغاز کردند و از لشکر لیسپاس قریب به پنج هزار نفر در برابر یهودیان به خاک افتادند. <sup>۳۵</sup> با دیدن شکستی که به لشکرش وارد آمده بود و شهادتی را که لشکر یهودا به دست آورده بود و این که آنان حاضر بودند قهرمانانه زندگی کنند یا بمیرند، لیسپاس به سوی انطاکیه<sup>u</sup> رفت تا در آنجا از بیگانگان سربازگیری کرده با سربازان

۱- سمو ۱۷: ۲۳-  
۵۴  
۱- سمو ۱۴: ۱-  
۱۴

۱۸: ۳

بیشتری باز در یهودیه پدیدار شود.

### تطهیر و تقدیس معبد

<sup>۳۶</sup> یهودا و برادرانش گفتند: «حال که دشمنان ما در هم شکسته شده اند برای تطهیر قدس<sup>v</sup> و تقدیس آن برآییم». <sup>۳۷</sup> همه لشکر گرد آمده به بالای کوه صهیون رفتند. <sup>۳۸</sup> نیایشگاه ویران، قربانگاه <sup>۳۹: ۱</sup> بی حرمت، درها کاملاً سوخته، علف <sup>۱۲: ۲</sup> در صحن ها چون بیشه یا بر کوه رویداده و حجره ها مخروبه شده بود. <sup>۳۹</sup> جامه هایشان را بر تن دریدند، مویه سردادند و بر سر خود خاکستر ریختند <sup>۴۰</sup> و به روی بر خاک افتادند و با غریو کرناها به سوی آسمان فریاد <sup>۱۸: ۳</sup> برآوردند.

<sup>۴۱</sup> آنگاه یهودا به تنی چند از مردان فرمان داد با کسانی که در قلعه اند نبرد کنند تا آن مکان مقدس تطهیر گردد. <sup>۴۲</sup> کاهنانی بی آلاش که برای تورات غیرت داشتند برگزیدند <sup>۴۳</sup> تا مکان مقدس را تطهیر کرده سنگ های نجس را به مکانی ناپاک برند. <sup>۴۴</sup> درباره قربانگاه قربانی های سوختنی که بی حرمت شده بود با هم مشورت کردند <sup>۴۵</sup> و فکری خجسته نمودند تا آن را بکوبند مبادا مایه شرمساریشان گردد، زیرا در واقع بیگانگان آن را نجس کرده بودند. قربانگاه را کوبیدند <sup>۴۶</sup> و سنگ هایش را بر کوه معبد در جای مناسبی قرار دادند و به انتظار پیامبری <sup>۲۷: ۹</sup> بودند که در مورد آنها پاسخی به ایشان <sup>۴۱: ۱۴</sup>

s- در آغاز سال ۱۶۴ ق.م.

t- لیسپاس یهودیه را از ساحل دریا دور زده بود. بیت صور موضع سوق الجیشی منتهی الیه جنوبی یهودیه است.

u- بر اساس ۲-مک ۱۱: ۱۳-۱۴ این نبرد، علی رغم معاهده صلح بین متخاصمین ادامه یافت.

v- معبد از سوی مشرکان ویران و لگدکوب و بی حرمت شده (۲۱: ۱-۲۲) که باید تطهیر و از نو تقدیس شود.

از نو برپا داشته بر آنها درنهادند.<sup>۵۸</sup> در قوم شادی بزرگی ایجاد شده بود و شرمی که بیگانگان باعث آن شده بودند از بین رفت.<sup>۵۹</sup> یهودا با برداران و همه جمع اسرائیلیان، چنین بنیاد نهادند که در زمان آنها روز تقدیس قربانگاه هر سال<sup>z</sup> به مدت ۸ روز از بیست و پنجم ماه کسلو با شادی و خرمی برپا شود.

<sup>۶۰</sup> آنگاه بر گرداگرد کوه صهیون برج و باروهای بلند برافراشتند از ترس آن که بیگانگان آمده همان گونه که قبلاً کرده بودند آن را لگد کوب سازند.<sup>۶۱</sup> یهودا پادگانی برای حفاظت آن برگماشت. بیت صور را مستحکم گردانیده تا قوم دژی در برابر ادومیه داشته باشد.

### یهودا علیه ادومیان و عمونیان (۲-مک ۱۰:۱۴-۳۳)

**۵** آنگاه که بیگانگان اطراف دانستند که قربانگاه دوباره برپا و معبد مانند پیش دائر شده است، بسیار خشمگین شدند.<sup>۲</sup> تصمیم به محو کردن آنانی که از نژاد یعقوب و در میان ایشان بودند گرفتند و آغاز به کشتار در میان قوم و نابودی آنان کردند.<sup>۳</sup> یهودا علیه پسران عیسو<sup>a</sup> در ادومیه و در عقربه<sup>b</sup> جنگید. زیرا آنان اسرائیل را در محاصره کرده بودند؛ او بر آنان شکستی سخت وارد آورد و ایشان

خروج ۲۰:۲۵؛ ۲۷:۶؛ ۲۸:۱  
بدهد.<sup>۴۷</sup> آنها سنگ های نتراشیده را مطابق تورات برگرفته و مطابق قربانگاه قبلی، قربانگاهی نوین ساختند.<sup>۴۸</sup> مکان مقدس و همچنین اندورن معبد را ساختند و صحن ها را تقدیس کردند.<sup>۴۹</sup> و اثاث جدید مقدس را وارد کرده در معبد چلچراغ، قربانگاه بخور و میز قرار دادند.<sup>۵۰</sup> در قربانگاه بخور سوزاندند و چراغ های چلچراغ را روشن کردند که در معبد می درخشید.<sup>۵۱</sup> بر میز نان گذاشته و پره ها را کشیدند و همه کارهایی را که دست گرفته بودند، تمام کردند.

<sup>۵۲</sup> روز بیست و پنجم ماه نهم<sup>w</sup> که ماه کیسلو از سال ۱۴۸ باشد، صبح زود<sup>x</sup> برخاستند.<sup>۵۳</sup> و آنان مطابق تورات بر قربانگاه جدیدی که ساخته بودند، قربانی های سوختنی گذاشتند.<sup>۵۴</sup> در زمان و روزی که بیگانگان به آن بی حرمتی کرده بودند، در آن روز، به آهنگ سرودها، سه تارها، چنگ ها و سنج ها مراسم تقدیس را برپا کردند.<sup>۵۵</sup> همه مردم به روی افتاده آسمان را که باعث پیروزی آنان شده بود ستایش کرده متبارک خواندند.<sup>۵۶</sup> مراسم تقدیس معبد را به مدت هشت روز به جای آوردند و قربانی های سوختنی با شادی تقدیم داشته قربانی صلح و ستایش به جای آوردند.<sup>۵۷</sup> نمای معبد را با تاج های زرین و سپرها<sup>y</sup> بیاراستند، ورودی ها و حجره ها را

w. مقارن ۱۴ دسامبر ۱۶۴ ق.م سومین مراسم سالگرد نخستین تقدیس به پیشگاه زئوس (۱:۵۹).

x. صبح زود. ۳۳:۶، ر.ک. ۵:۱۶، اصطلاح سامی، ر.ک. پید ۲:۲ و غیره.

y. تزئینات و علائمی که از نمای معبد کنده شده بود: ۱:۲۲.

z. حنوکا (Hanoukka) جشن تقدیس معبد در کتاب دوم مکابیان از اهمیت بسیاری برخوردار است (باب ۱-۲، ۱۰:۸-۱۰:۱۰)؛ ر.ک. یو. ۱۰:۲۲.

a. نبردها بین اوایل سال ۱۶۳ ق.م تا پاییز همان سال روی داد.

b. بی تردید منطقه عقربه در جنوب شکیم واقع است.

حمله به قلعه‌ای که ما در آن پناه گرفته‌ایم می‌کنند و فرمانده لشکر آنان تیموتائوس است.<sup>۱۲</sup> بیا و ما را از دست آنان خلاص کن زیرا تعدادی از ما به خاک افتاده‌اند.<sup>۱۳</sup> همهٔ برادران ما که در سرزمین «طوبیا<sup>h</sup>» هستند کشته شده‌اند، زنان و فرزندانشان را به اسارت برده‌اند، اموالشان را گرفته و در آن اطراف<sup>i</sup> یک هزار مرد را از بین برده‌اند.<sup>۱۴</sup> هنوز در حال خواندن این نامه بودند که قاصد دیگری با جامه‌های پاره با این خبرها از جلیل رسید:<sup>۱۵</sup> «از بطالسه<sup>j</sup>، از صور، صیدون و سراسر جلیل امت‌ها<sup>k</sup> برای نابود کردن ما با هم متحد شده‌اند.»<sup>۱۶</sup> وقتی یهودا و قوم این را دانستند، شورای بزرگی تشکیل دادند تا درباره کمک به برادرانشان که در معرض مصیبت و حمله دشمنان بودند مشورت کنند.<sup>۱۷</sup> یهودا به شمعون برادرش گفت: «مردانی برگزین و برای رهایی بردارانت که در جلیل اند روانه شو، من و یوناتان برادرم به جلعاد خواهیم رفت.»<sup>۱۸</sup> یوسف، پسر زکریا و عزریا رئیس قوم را با بقیه لشکر در یهودیه برای نگهبانی باقی نهاد.<sup>۱۹</sup> و به او این

را پس رانده غنایم شان را گرفت.<sup>c</sup> سپس از شرارت پسران بیان<sup>e</sup> یاد آورد که برای قوم دام و سنگ لغزنده بودند و بر سر راهش مانع ایجاد می‌کردند.<sup>۵</sup> آنها را در برج هایشان مقید داشته به محاصره گرفت، کافرشان خواند و برج هایشان را با هر چه در آنها بود<sup>d</sup> سوزاند.<sup>۶</sup> به سراغ بنی عمون رفت که در آنجا لشکری مقتدر یافت و قومی بی‌شمار که رئیس آنها تیموتائوس بود.<sup>۷</sup> علیه آنان در جنگ‌های عدیده درگیر شد، آنها را در برابر خود در هم شکست و منهزم نمود.<sup>۸</sup> به حمله «یعزیر<sup>e</sup>» و «دخترانش<sup>f</sup>» را گرفت و به یهودیه بازگشت.

### شکایت‌های اسرائیلیان از جلعاد و جلیل

<sup>۹</sup> ملت‌های جلعاد<sup>g</sup> علیه بنی اسرائیل که در سرزمین آنها بودند گرد آمدند تا آنها را نابود کنند و آنها نیز به قلعه داتما گریختند.<sup>۱۰</sup> آنان به یهودا و بردارانش نامه‌ای به این شرح ارسال داشتند: «ملت‌هایی که در اطراف ما هستند، علیه ما متحد شده‌اند تا ما را از بین ببرند:<sup>۱۱</sup> خود را آماده آمدن و

c. احتمالاً قبیله‌ای عرب بوده است. این عنوان در نام شناسی جنوب عربستان تایید شده است.

d. یادآوری جدید از اعمال دوران فتوحات.

e. این تاخت و تاز بی‌تردید بازسازی قتل عام مذکور در آیه ۱۳ است.

f. ر.ک. آیه ۶۵، تحت اللفظی: دخترانش، اصطلاح عبری ر.ک. اعد ۲۱:۲۵؛ یوشع ۱۵:۴۵؛ داود ۱۱:۲۶.

g. در دوران تسلط یونانیان، جلعاد (ر.ک. آیات ۱۷-۲۷) شامل فلات سوریه واقع در شمال یرموک بود که در آنجا یهودیان گروه‌های متعدد مهاجرنشین داشتند.

h. ناحیه‌ای بین امان و رود اردن که از سوی حکومت خانواده یهودی طوبیا اداره می‌شد. ر.ک. نح ۲:۱۰؛ ۶:۱۷-۱۸؛ ۱۳:۸؛ ۲-مک ۱۱:۳.

i. وصول مطالبات که باید مربوط به تاخت و تاز آیات ۶-۸ باشد. ر.ک. ۲-مک ۱۲:۱۷-۱۸.

j. نام دیگر بندر عکو که بطلمیوس دوم آن را به نام خود نامگذاری کرد. بعداً این بندر سن‌ژان داکر نامیده شد.

k. ر.ک. اش ۲۳:۸؛ جلیل امت‌ها.

و دشمنان آنان به منظور حمله به دژها، تصرف و محو کردن همه یهودیان برای روز بعد موضع گرفته بودند.<sup>۲۸</sup> ناگهان یهودا و لشکریانش به سوی صحرای بصوره عنان گردانیدند، شهر را متصرف و به دم شمشیر<sup>o</sup> همه نربینه ها را کشتند، همه اموالشان را گرفته شهر را به آتش کشیدند.<sup>۲۹</sup> از آنجا شبانه حرکت کرده تا قلعه P پیش رفتند.<sup>۳۰</sup> آنگاه بامدادان همین که چشم ها را برافراشتند، جمعیت انبوهی دیدند بی شمار که نردبان ها و منجیق هایی برای تصرف دژ و آغاز حمله کار گذاشته اند.<sup>۳۱</sup> با آغاز حمله و همه شه که به صدای کرناها و همه ای عظیم تا به آسمان می رسید<sup>۳۲</sup> یهودا به مردان لشکر خود گفت: «امروز برای برادرانمان بجنگید.»<sup>۳۳</sup> با سه ستون به عقب دشمن تاخت. آنان در کرناها دمیده با صدای بلند نیایش کردند.<sup>۳۴</sup> لشکر تیموتائوس وقتی دانست که این مکابی است، از برابرش گریخت. بر آنها شکستی سخت وارد کرد و آن روز در میانشان در حدود هشت هزار نفر افتادند.<sup>۳۵</sup> با روی گرداندن به سوی عالما، به آن یورش آورده، حمله کرده همه جمعیت نربینه اش را بکشت، غنایم شهر را گرفت و آن به آتش سوزانید.<sup>۳۶</sup> از آنجا حرکت کرده به کسفور، مقیده، بصور و دیگر شهرهای جلعاد حمله ور شد.

حکم را داد: «بر این قوم حکومت کن و علیه بیگانگان درگیر جنگ مشو تا ما باز گردیم.»<sup>۲۰</sup> برای شمعون سه هزار مرد به جهت رفتن به جلیل تعیین کرد و برای یهودا هشت هزار مرد به جهت جلعاد.

### اعزام به جلیل و جلعاد (۲-مک ۱۲: ۱۰-۳۱)

<sup>۲۱</sup> شمعون به جلیل رفت و درگیر جنگ هایی بی شمار علیه بیگانگان گردید. بیگانگان در برابر وی درهم شکستند<sup>۲۲</sup> و او آنان را تا دروازه بطالس تعقیب کرد، از بیگانگان سه هزار مرد از پای درآمدند که وی غنایمشان را برگرفت.<sup>۲۳</sup> یهودیان جلیل و عربات<sup>۱</sup> و همچنین زنان و فرزندانشان و آنچه را داشتند جمع کرده در کمال آسودگی به یهودیه آورد.<sup>۲۴</sup> یهودای مکابی و برادرش یوناتان از رود اردن گذشتند و به یک راهپیمایی سه روزه در صحرا پرداختند.<sup>۲۵</sup> به نبطیها<sup>m</sup> برخورد کردند که آنها را در کمال صلح جویی پذیرا گشتند و آنچه بر برادرانشان در جلعاد گذشته بود برایشان بازگو کردند.<sup>۲۶</sup> بسیاری از میان آنان در بصوره، عالما، کسفور، مکد و قرنین<sup>n</sup> که همه شهرهایی با برج و بارو و بزرگ بودند در محاصره قرار داشتند.<sup>۲۷</sup> در دیگر شهرهای جلعاد هم کسانی در محاصره بودند

۱- احتمالاً ناحیه ای بین جلیل و سامره که یوسفوس آن را نارباتن می نامد.  
 m. در جای دیگر، اعراب روایت شده است (۲-مک ۵: ۸: ۱۰: ۱۲) این کاروانیان که در فلات ماوراء اردن تردد می کردند غالباً از بصوره که چهارراه مهمی در زمین های مسطح صحرا و حوران بود می آمدند و ناظر بر حمل کالا به یهودیه بودند.  
 n. این شهرک ها محل مشخصی دارند و نام آنها تا به روزگار ما محفوظ مانده است.  
 o. اصطلاح عبری: ر.ک. یوشع ۶: ۲۱: ۸: ۲۴ و غیره.  
 p. منظور «دیانتما» است (آیه ۹)، محلی نامشخص در غرب بصوره.

را با همه کسانی که آن جا بودند سوزانیدند. قرنبن مطیع گردید و از آن پس نتوانستند در مقابل یهودا ایستادگی کنند.

<sup>۴۵</sup> یهودا همهٔ بنی اسرائیل را از کوچک تا بزرگ، با زنان، فرزندان و بار و بنه شان که در جلعاد بودند جمع آوری کرد - گروهی بی شمار بودند - تا به سرزمین یهودیه بروند. <sup>۴۶</sup> به عفرون<sup>۷</sup> که شهر بزرگی بر سر راه بود رسیدند، شهری محکم که از آن امکان انحراف به چپ یا راست نبود و باید از درون آن می گذشتند. <sup>۴۷</sup> مردم شهر آنها را راه ندادند و دروازه ها را با سنگ سد کردند. <sup>۴۸</sup> یهودا فرستاد و با سخنان ۳۰:۱

صلح آمیز گفت: «بگذارید از سرزمین شما اعد ۱۷:۲۰ رد شده به سرزمین خود رویم، هیچ کس گزندی به شما نخواهد رسانید ما فقط پیاده خواهیم گذشت» اما از گشودن بر وی، امتناع ورزیدند. <sup>۴۹</sup> یهودا در اردو ندا داد که هر کس هر جا هست، موضع بگیرد. <sup>۵۰</sup> مردان لشکر موضع گرفتند و بعد سراسر آن روز و آن شب به شهر حمله ور شد و شهر به دست وی افتاد. <sup>۵۱</sup> با دم شمشیر همهٔ جمعیت مردان را از بین برد و شهر را سرتا پا ویران کرده، اموالشان را متصرف و شهر را با گذر از روی اجساد درنوردیدند. <sup>۵۲</sup> از رود اردن در جهت دشت بزرگ که در مقابل «بیت شان» است رد شدند. <sup>۵۳</sup> یهودا ره می سپرد، درحالی که عقب

<sup>۳۷</sup> پس از این رویدادها، تیموتائوس لشکر دیگری فراهم آورد و در مقابل رافون<sup>۹</sup> در سوی دیگر مسیل موضع گرفت. <sup>۳۸</sup> یهودا فرستاده تا از اردو خبر گیرد و وی را این خبر آوردند: «همه بیگانگانی که اطراف ما را گرفته اند نزد تیموتائوس جمع شده اند که لشکری بسیار بی شمار<sup>۱</sup> است. <sup>۳۹</sup> عرب ها به یاری آنها پیوسته اند و در آن سوی سیلاب موضع گرفته آماده حمله اند».

یهودا به مقابلهٔ آنها شتافت. <sup>۴۰</sup> درحالی که یهودا و لشکرش به جریان آب نزدیک می شدند تیموتائوس به رؤسای لشکرش گفت «اگر اول به طرف ما بیاید نخواهیم توانست در برابرش ایستادگی کنیم زیرا مسلماً بر ما برتری خواهد داشت<sup>۱۵</sup> اما اگر ترس داشته باشد و در آن سوی رود در موضع باقی ماند، به سوی وی حرکت کرده بر وی غلبه خواهیم یافت. <sup>۴۲</sup> همین که به نزدیک جریان آب رسید، یهودا کاتبان قوم<sup>۱۶</sup> را در کنار سیلاب قرار داده این فرمان را به آنها داد: «نگذارید هیچکس در اردو بماند بلکه همه به جنگ بروند.» <sup>۴۳</sup> وی نخست به سوی دشمن حرکت کرد و همهٔ قوم او را دنبال کردند. همهٔ بیگانگان در برابرش درهم شکستند، اسلحه هایشان را انداخته به سوی محوطه مقدس قرنبن<sup>۱۷</sup> گریختند. <sup>۴۴</sup> یهودیان شهر را با حمله متصرف شده، با آتش نیایشگاه

اسمو ۱۴:۹-۱۰

q. امروز الرفاه نامیده می شود که در شرق «نهر الحریر» از شعبات شرقی یرموک واقع است.

r. ۱۲۰ هزار پیاده نظام و ۲۵۰۰ سوار طبق ۲-مک ۱۲:۲۰.

s. با برتری بر ما برتری خواهد یافت. سبک عبری: ر. ک. ۱- سمو ۲۶:۲۵ و غیره.

t. منظور افسران می باشند که در ارتش به عنوان تقریرنویس خدمت می کنند و احکام لشکر را می نویسند.

u. منظور دو شاخ منسوب به عشتروت (نیایشگاه محلی) است که نام آن از ۲-مک ۱۲:۲۶ گرفته شده، ر. ک. پید ۱۴:۵؛ یوشع ۹:۱۰؛ عشتروت قرنبن.

v. «الطیبه» در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی دریاچه جنیسارت.

ماندگان را مسخره می کرد و در سراسر راه قوم را تا رسیدنش به سرزمین یهودیه تشویق می کرد.<sup>۵۴</sup> با شادمانی و خوشی به کوه صهیون فراز آمدند و قربانی های سوختنی<sup>۵۷</sup> تقدیم کردند زیرا بدون آن که حتی یک تن از آن میان به خاک افتاده باشد به سلامت بازگشته بودند.

### نبرد سواحل و ادومیه

(۲-مک ۱۲:۳۲-۴۵)

<sup>۵۵</sup> در زمانی که یهودا و یوناتان در سرزمین جلعاد بودند و شمعون برادرش در جلیل و روبروی بطالسه بود<sup>۵۶</sup> یوسف پسر زکریا و عزریا فرماندهان لشکر از عملیات آنان و نبردهایی که درگیر شده بودند، باخبر شدند.<sup>۵۷</sup> گفتند: «ما نیز برای خود نامی فراهم سازیم و به جنگ بیگانگانی که در اطراف ما هستند برویم».<sup>۵۸</sup> به نیروهایی که با خود داشتند فرمان صادر کردند و به سوی یمینا رفتند.<sup>۵۹</sup> جرجیاس به همراه مردان از شهر بیرون شد و برای نبرد<sup>۶۰</sup> به مقابله شان آمد. یوسف و عزریا، عقب نشینی کردند و تا مرزهای یهودیه تعقیب شدند و در این روز از قوم بنی اسرائیل در حدود دو هزار مرد به خاک افتادند.<sup>۶۱</sup> این عقب نشینی بزرگی برای قوم بود، زیرا نه به یهودا و نه به برادرانشان گوش فرا نداده بودند و تصور می کردند که

می توانند عملیاتی را به انجام رسانند.<sup>۶۲</sup> آنان از نژاد مردانی نبودند که باید به دست آنها نجات اسرائیل فرا می رسید.<sup>۶۳</sup> یهودای دلاور و برادرانش در برابر همه اسرائیلیان و نیز همه ملت هایی که نامشان بر زبان رانده می شد از احترامی خاص برخوردار بودند<sup>۶۴</sup> برای تبریک گفتن به آنها در اطرافشان گرد آمده بودند.<sup>۶۵</sup> یهودا با برادرانش برای نبرد با پسران عیسو به سرزمین های جنوب حرکت کرد. حبرون و دخترانش<sup>۶۶</sup> را شکست داد،<sup>۸:۵</sup> استحکامات آنان را خراب کرده برج های حصارهایشان را سوزانید.<sup>۶۶</sup> سپس برای رفتن به سرزمین فلسطین به راه افتاد و از مریشه<sup>۶۷</sup> گذشت. همان روز دچار نبرد با کاهنانی شدند که بی ملاحظه رهسپار جنگ شده بودند تا فتوحاتی انجام دهند.<sup>۶۸</sup> یهودا سپس به سوی اشدود به سرزمین فلسطین بازگشت، قربانگاه های آنها را ویران، غنائم شهرها را برداشته و به<sup>۴۰:۱۲</sup> سرزمین یهودیه بازگشت.

### مرگ آنتیوخوس چهارم و به تخت

#### نشستن آنتیوخوس پنجم

(۲-مک ۱:۱۱-۱۷؛ ۱۰:۹-۱۰:۱۰)

<sup>۶</sup> در این هنگام آنتیوخوس پادشاه استان های علیا را درمی نوردید،<sup>۳:۳۷</sup> باخبر شد در پارس شهری است به نام ایلام<sup>a</sup>

۳:۳۷؛  
۲-مک ۹:۲۵

W. ۲-مک ۳۱:۱۲ این واقعه را مقارن عید پنجاهه سال ۱۶۳ ق.م روایت می کند.  
X. به نظر می رسد فرمانده لشکر سواحل ادومیه (۲-مک ۱۲:۳۲) بوده است.  
Y. پس از تبعید، یهودیان در ناحیه حبرون که منطقه ادومیه شده بود، استقرار نیافته بودند.  
Z. شهر یونانی نشین واقع در ۲۰ کیلومتری شمال حبرون. یوشع ۱۵:۴۴.  
a. شهری به این نام شناخته شده نیست. عیلام منطقه ای کوهستانی در شمال شرقی شهر شوش است.

افتاده از غصه بیمار شد زیرا جریان امور آن گونه که میل<sup>e</sup> داشت روی نداده بود. <sup>۹</sup> در آنجا روزهای متمادی باقی ماند و غمی بزرگ باز بر وی فرود آمد و گمان برد که دارد می میرد. <sup>۱۰</sup> وی همه دوستانش را فراخوانده به آنان گفت: «خواب از چشمانم رفته و اندوه قلبم را شکسته است. <sup>۱۱</sup> در درون قلبم گفتم: من که به هنگام قدرتم خوب و دوست داشتمی بودم، اکنون به چه درجه ای از مصیبت رسیده ام و پریشانی من چه عظیم است! <sup>۱۲</sup> اما اکنون بدی هایی را که به اورشلیم کرده ام به یاد می آورم: همه اشیاء نقره ای و طلائی را که آن جا بود برداشتم و همه ساکنان یهودیه را بدون دلیل به سوی نابودی فرستادم. <sup>۱۳</sup> می دانم<sup>f</sup>، به خاطر این است که این بلاها بر من نازل شده است و اینک در سرزمینی بیگانه<sup>g</sup> با غمی بزرگ در می گذرم!» <sup>۱۴</sup> فیلیپس<sup>h</sup> را که یکی از دوستانش بود فرا خواند و وی را در رأس تمام حکومتش گماشت. <sup>۱۵</sup> دیهیم خویش، جامه و انگشتری خود را به وی داد و وی را مأمور اداره آنتیوخوس، پسرش کرد تا او را به قصد سلطنت تربیت کند. <sup>۱۶</sup> و در سال<sup>i</sup> صد و چهل و نه، آنتیوخوس پادشاه در آن

که به ثروت، نقره و طلایش معروف است. <sup>۲</sup> معبدی<sup>b</sup> که آنجاست بسیار ثروتمند است و در آن سلاح هایی از طلا و زره ها و اسلحه هایی وجود دارد که اسکندر، پسر فیلیپس پادشاه مقدونیه که اول بر یونانیان سلطنت می کرد باقی گذاشته است. <sup>۳</sup> او به آن جا رفت و درصدد اشغال شهر و ویران کردن آن برآمد اما قادر به انجامش نشد زیرا اهالی شهر از ماجرا باخبر شده بودند. <sup>۴</sup> آنها علیه وی برای جنگیدن به پا خاستند، وی از آنجا گریخته با اندوهی بزرگ به قصد بازگشت به بابل حرکت کرد. <sup>۵</sup> در پارس<sup>c</sup> به وی خبر رسید که لشکریانی که به سرزمین یهودیه رفته بودند، منهزم شده اند. <sup>۶</sup> لیسپاس قبلاً با لشکری قوی به آن جا رفته بود، اما در برابر یهودیان که به یمن سلاح ها، منابع و غنایم بی شماری که از لشکریان منهزم گرفته بودند، مجبور به عقب نشینی شده بود. <sup>۷</sup> آنان مکروهی را که بر قربانگاه اورشلیم برپا کرده بودند واژگون ساخته مانند گذشته نیایشگاه را با دیوارهای بلند محصور کردند، همچنین بیت صور، شهر متعلق به پادشاه<sup>d</sup> را. <sup>۸</sup> پس وقتی پادشاه از این مطالب باخبر شد ترس وی را فرا گرفت و بسیار لرزان، به بستر

۵۴:۱

۴۵:۴

b. منظور نانئون (Nanéon) است که به نانئا-آرتمیس (Nanéa-Artemis) تقدیم شده بود، ۲-مک:۱۳، ۱۵.

c. شهر طبا واقع در ایران، در ناحیه اصفهان.

d. دژهای پادشاهی مستقیماً تابع پادشاه بودند و پادگان های اختصاصی وی در آنجا مستقر بود.

e. در واقع آنتیوخوس باید در پایان عملیات بازسازی اورشلیم مرده باشد (آیه ۱۶). اشاره به آن در اینجا صرفاً قلم فرسایی است. ر.ک. مقدمه.

f. ۱-مک و ۲-مک احساساتی حاکی از ندامت پادشاه نسبت می دهد. در ۱-مک مرگ پادشاه پیامد مستقیم تاراج معبد است.

g. در این زمان سرزمین پارس بخشی از امپراتوری سلوکیان بود.

h. فیلیپس، رقیب لیسپاس، ر.ک. آیات ۵۵، ۶۳، ۲-مک:۹، ۲۹، باید وی را از فیلیپس روایت شده در ۲-

مک:۵، ۲۲:۸، متمایز دانست.

i. سپتامبر یا اکتبر سال ۱۶۴ ق.م یعنی پیش از تقدیس معبد در ۱۴ دسامبر ۱۶۴ ق.م (۵۲:۴) و نه آن چنان که نویسنده ۱-مک

کس از بین ما که یافته می شد به مرگ محکوم و میراث ما چپاول می گردید. <sup>۲۵</sup> فقط ما نیستیم بلکه به همه سرزمین های <sup>o</sup> مجاور هم دست درازی کرده اند. <sup>۲۶</sup> و امروز نزدیک قلعه اورشلیم برای تصرف آن موضع گرفته عبادتگاه بیت صور را مستحکم کرده اند. <sup>۲۷</sup> اگر به فوریت پیشی نگیری، بیش از این ها خواهند کرد و تو دیگر قادر به متوقف ساختن آنها نخواهی بود.»

### آنتیوخوس پنجم و لیسپاس در یهودیه. نبرد بیت زکریا (۲-مک ۱۳:۱-۱۷)

<sup>۲۸</sup> پادشاه با شنیدن این مطالب خشمگین شد، همه دوستان و فرماندهان لشکر و فرماندهان آسواران را گرد آورد. <sup>۲۹</sup> از قلمروهای دیگر و جزایر دریاها، گروه های مزدور نیز رسیدند <sup>۳۰</sup> شمار گروه هایش به صد هزار پیاده نظام، بیست هزار سوار وسی و دو فیل <sup>p</sup> جنگی می رسید. <sup>۳۱</sup> از ادومیه آمده نزدیک بیت صور <sup>q</sup> موضع گرفتند، روزهای طولانی نبرد کرده منجنیق ها ساختند اما محاصره شدگان منفذی به خارج یافته منجنیق ها را به آتش کشیدند و

مکان مرد. <sup>۱۷</sup> وقتی لیسپاس از مرگ پادشاه آگاه شد پسر او، آنتیوخوس را که از دوران جوانی تربیت شده بود، به پادشاهی برگزید و وی را به نام اوپاتور <sup>k</sup> نامگذاری <sup>j</sup> کرد.

### محاصره دژ

<sup>۱۸</sup> افراد قلعه، اسرائیل را در اطراف نیایشگاه محاصره کرده مدام درصدد آزار آنان و تقویت ملت ها بودند. <sup>۱۹</sup> یهودا تصمیم به نابودیشان گرفت و همه قوم را برای محاصره ایشان دعوت کرد. <sup>۲۰</sup> همه گرد آمده در برابر قلعه در سال صد و پنجاه <sup>۱</sup> دست به محاصره زدند و آتش افکن ها و منجنیق ها ساختند <sup>۲۱</sup> اما محاصره شدگان محاصره را شکستند و برخی از بنی اسرائیل بی دین به آنان پیوستند. <sup>۲۲</sup> آنها رفته پادشاه را یافتند و به وی گفتند: «تا به کی از اجرای عدالت نسبت به ما و انتقام کشی برای برادران ما خودداری می کنی؟ <sup>۲۳</sup> ما برای خدمت کردن به پدر تو و پیروی از دستوره های وی و اطاعت از فرمان هایش رضات داده ایم. <sup>۲۴</sup> بدین خاطر هموطنان ما <sup>m</sup> قلعه را محاصره کرده با ما مثل بیگانه <sup>n</sup> رفتار کرده اند و افزوده براین هر

j. تحت اللفظی: نامش را نامید، سبک عبری: ر.ک. پید ۱۱:۱۶ و غیره.

k. به معنای پسر پدری شریف: تکریم و احترام لیسپاس نسبت به آنتیوخوس پنجم.

l. بین سال های ۱۶۳-۱۶۲: در واقع این محاصره در ادومیه روی داده بود (آیه ۳۱).

m. تحت اللفظی: پسران قوم، سبک عبری: ر.ک. ۲-توا ۵:۳۵ و غیره.

n. همین اصطلاح در ۵۳:۱۱ و ۲۷:۱۵.

o. مکابیان در خارج از محدوده های قطعی یهودیه در بازگشت از تبعید (۳۰:۱۵) فرمانروایی داشتند و به این محدوده ها اعتنایی نداشتند، ۳۳:۱۵-۳۴.

p. ۲-مک ۱۳:۲ از یک فوج مرکب از ۲۲ فیل صحبت می کنند.

q. احتمالاً همان مسیری است که هنگام نبرد لیسپاس (۲۹:۴) طی شده بود. بنابر افزوده ای در ۲-مک ۱۳:۱۴ این موضع در مودین بوده است.



مشعل‌های آتشین درخشان شدند.<sup>۴۰</sup> بخشی از لشکر پادشاهی بر بلندی‌های کوه‌ها صف‌آرایی کردند و بخشی دیگر در دامنه‌ها و در نهایت پوشش و نظم پیش می‌رفتند.<sup>۴۱</sup> با شنیدن همه‌این گروه کثیر همه به وحشت افتادند، صدای انبوه در حال حرکت و چک‌چک سلاح‌ها، زیرا لشکریان بی‌نهایت زیاد و قوی بودند.<sup>۴۲</sup> یهودا و لشکرش برای درگیر شدن در جنگ پیش آمدند و از لشکر پادشاه شش صد مرد به خاک افتاد.<sup>۴۳</sup> ایلعازر اورانس<sup>۵:۲</sup> با دیدن یکی از حیوانات مجهز به زره پادشاهی که از همه برتر بود، گمان برد که پادشاه در آن است.<sup>۴۴</sup> خود را برای نجات قومش و برای یافتن نامی جاودان فدا کرد.<sup>۴۵</sup> شجاعانه به سوی شتافت و درحالی‌که از چپ و راست می‌کشت در میان سپاهیان چنان کرد که از این سو و آن سو از اطرافش فاصله گرفتند.<sup>۴۶</sup> خود را به زیر فیل غلطانده از زیر آن را ضربه‌ای کاری<sup>z</sup> زد و کشت؛ حیوان بر زمین به روی وی افتاد و او در آن جا مرد.<sup>۴۷</sup> یهودیان با دیدن قدرت پادشاهی و حرکت گروه‌ها، در برابر آنها عقب نشستند.

دلاورانه جنگیدند.<sup>۳۲</sup> یهودا با ترک قلعه در بیت‌زکریا<sup>t</sup> در برابر اردوی پادشاه موضع گرفت.<sup>۳۳</sup> روز بعد، صبح زود<sup>s</sup> پادشاه لشکر خود را از جا کنده به تندی به سوی بیت‌زکریا حرکت کرد و گروه‌ها آماده حمله شدند و در کرناها دمیدند.<sup>۳۴</sup> برای آماده کردن فیل‌ها به جهت جنگ به آنها شیره انگور<sup>t</sup> و توت نشان دادند.<sup>۳۵</sup> حیوانات را بین سپاهیان<sup>v</sup> تقسیم کرده در اطراف هر فیل هزار مرد جنگی با جوشن و کلاهخود مفرغین بر سر قرار گرفتند و هر حیوان را با پانصد سوار برگزیده تقویت کردند.<sup>۳۶</sup> این گروه اخیر هر جا حیوان باید می‌بود و هر جا می‌رفت با آنها و پیشرو بودند و از آنها دور نمی‌شدند.<sup>۳۷</sup> بر روی هر حیوانی و برای دفاع از آن کجاوه‌ای محکم از چوب قرار داده با تسمه بسته بودند و در هر یک سه جنگجوی مبارز علاوه بر فیل بان<sup>w</sup> نشسته بودند.<sup>۳۸</sup> اما در مورد بقیه آسواران، پادشاه آنها را این طرف و آن طرف بر جناحین لشکر برای به ستوه آوردن دشمن و حمایت از سپاهیان قرار داد.<sup>۳۹</sup> وقتی خورشید بر سپرهای زرین و مفرغین<sup>x</sup> درخشیدن گرفت کوهستان‌ها تابناک و چون

I. در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی اورشلیم.

S. سبک عبری، ر.ک. ۵۲:۴.

t. تحت اللفظی: خون انگور. سبک عبری ر.ک. پید ۱۱:۴۹...

u. ر.ک. ۳-مک (کتابی تحریفی که بعد از کتب اول و دوم مکابیان نوشته شد) که به موجب آن بطلمیوس چهارم موسوم به فیلوپاتور، فیل‌ها را با شیره و انگور مست گردانید تا یهودیان را در اسپریس اسکندریه درهم شکنند.

v. (Phalange) فیل‌ها را از جناحین باید مواظبت و حمایت می‌کردند.

w. تحت اللفظی: هندو، به علت سرزمین اصلی فیل‌ها.

x. قطعات مفرغ (برنج) برای تقویت که برخی از آنها به طلا مزین بود، ر.ک. ۱-پاد ۱۰:۱۶.

y. تحت اللفظی: خودش را سپرد، ر.ک. ۱:۴ و غیره.

z. شکم محل آسیب‌پذیرتری بود زیرا زره آن را نمی‌پوشانید. در ۲-مک واقعه‌ای مشابه در مودین روایت شده است (۱۳:۱۵-۱۷).

## محاصره کوه صهیون و تصرف

## بیت صور

(۲- مک ۱۳: ۱۸-۲۳)

۴۸ اما مردان لشکر پادشاهی به سوی اورشلیم برای مقابله آنها حرکت کردند و پادشاه در برابر یهودا و کوه صهیون اردو زد. ۴۹ با افراد بیت صور که آذوقه نداشتند تا بتوانند محاصره را تحمل کنند، زیرا برای زمین سال سبت<sup>۵۰</sup> بود و از شهر خارج می شدند، صلح نمود. ۵۰ پادشاه بیت صور را تصرف کرد و برای نگهبانی از آن پادگانی در آنجا مستقر ساخت. ۵۱ روزهای طولانی به نزدیک قدس موضع گرفت و در آنجا آتش افکن ها، منجنیق ها<sup>۵۲</sup>، شعله افکن ها، سنگ اندازها، تیرکمان های کوچک برای پرتاب تیر و فلاخن ها مستقر کرد. ۵۲ یهودیان نیز در برابر منجنیق های آنان، منجنیق هایی ساختند و روزهای طولانی نبرد کردند. ۵۳ اما آذوقه در مخازن نبود زیرا سال هفتم بود و پناهندگانی هم که از نزد ملت ها به یهودیه آمده بودند آخرین ذخایر را به مصرف رسانده بودند. ۵۴ در مکان مقدس اندک مردمانی باقی ماندند زیرا قحطی بر آنان فشار می آورد و دیگران هر یک به خانه خود بازگشتند.

## آنتیوخوس پنجم به یهودیان

## آزادی مذهب می دهد

(۲- مک ۱۳: ۲۳-۲۶؛ ۱۱: ۲۲-۲۶)

۵۵ با وجود این، فیلیپس که آنتیوخوس در زمان حیاتش وی را مأمور تربیت آنتیوخوس پسرش برای سلطنت کرده بود ۵۶ از پارس و ماد با گروه هایی که پادشاه را همراهی می کردند بازگشته قصد تصرف اداره امور را داشت. ۵۷ با این خبر، لیسسیاس در دادن علامت حرکت شتاب ورزیده به پادشاه، رؤسای لشکر و مردان [جنگی] گفت: «هر روز تحلیل می رویم، آذوقه کم داریم، محلی که در برابر آن موضع گرفته ایم مستحکم است و امور مملکت در انتظار ماست. ۵۸ پس دست راست خود را به این مردان داده<sup>۵۹</sup> با آنان و ملتشان صلح کنیم. ۵۹ بگذاریم<sup>۶۰</sup> که برابر سنت های خود مانند گذشته به زندگیشان ادامه دهند زیرا به خاطر رسومشان که ما از بین برده ایم خشمگین شده این ماجراها را بوجود آورده اند.» ۶۰ این گفتار، پادشاه و رؤسا را خوش آمد<sup>۶۱</sup> و فرستادند تا [به یهودیان] پیشنهاد صلح کنند و آنها هم پذیرفتند. ۶۱ پادشاه و رؤسا برای آنان سوگند خوردند و در نتیجه محاصره شدگان از قلعه بیرون آمدند. ۶۲ پادشاه به کوه صهیون بالا رفت و وقتی استحکامات محل را دید

a. از پاییز سال ۱۶۴ تا پاییز سال ۱۶۳. برداشتن محصول سال ۱۶۳ ناممکن شده بود.

b. منجنیق ها (یا به گفته دیگر آتش افکن ها) ساز و برگ جنگی زمان برای پرتاب محموله های آتشین بود، ر. ک. آیه ۲۰. چنین شرحی از توپخانه سلوکیان تنها در اینجا آورده شده است.

c. عبارتی حاکی از صلح و مودت: ر. ک. ۱۱: ۵۰، ۶۲، ۶۶؛ ۱۳: ۴۵، ۵۰.

d. علت این دگرگونی و تغییر جهت را باید مرگ آنتیوخوس اپیفان که قهرمان یونانی گرائی اجباری بود و نیز قحطی، گرسنگی و بازگشت آتی فیلیپس رقیب لیسسیاس دانست.

e. ر. ک. ۸: ۲۱. تحت اللفظی: در حضور پادشاه، سبک عبری، ر. ک. استر عبری ۵: ۱۴.

و ما را در خارج از کشور پراکنده ساخته اند<sup>۷</sup> اکنون مردی را که به وی اعتماد<sup>k</sup> داری بفرست تا همه خرابی‌هایی را که یهودا در بین ما و قلمرو پادشاه بوجود آورده ببیند و این افراد و همچنین همه کسانی را که به کمک آنها آمده‌اند توبیخ کند.»

سوگند خود را شکست و دستور تخریب تمام حصار<sup>f</sup> را داد<sup>۶۳</sup> بعد به سرعت حرکت کرده به انطاکیه بازگشت، جایی که فیلیپس صاحب شهر را در آنجا یافت. با وی در جنگ شد و شهر را به قهر متصرف گردید.

### سلطنت دیمتریوس اول (۲-مک ۱۴:۱-۴)

#### بدرفتاری بکیدس و الکیمس در

##### یهودیه

<sup>۸</sup> پادشاه بکیدس را که یکی از دوستان پادشاه، حاکم ماوراء فرات<sup>۱</sup>، بزرگ قلمرو و وفادار به پادشاه بود برگزید<sup>۹</sup> وی را به همراه الکیمس<sup>m</sup> بی‌دین که کهانتش را تأیید کرده بود و به وی قول داده بود از بنی اسرائیل انتقام بکشد فرستاد. <sup>۱۰</sup> آنها حرکت کرده با گروهی بی‌شمار به سرزمین یهودیه وارد شدند و قاصدانی به سوی یهودا<sup>۳۰:۱</sup> و برادرانش با سخنانی صلح‌جویانه پراز مکر و فریب فرستادند. <sup>۱۱</sup> اما آنان به هیچ یک از حرف‌هایشان توجهی نمودند، زیرا می‌دیدند که اینان با گروهی بی‌شمار آمده‌اند. <sup>۱۲</sup> گروهی از کاتبان نزد الکیمس و بکیدس برای پیدا کردن راه حل منصفانه

<sup>۱</sup> در سال ۱۵۱ ق.م.؛ دیمتریوس پسر سلوکوس روم را ترک گفته با افرادی چند به یکی از شهرهای مجاور<sup>h</sup> پیش آمد و در آنجا شروع به سلطنت<sup>۱</sup> کرد. <sup>۱۹:۲</sup> داشت<sup>۲</sup> به قلمرو پادشاهی پدرانش داخل می‌شد که لشکر، آنتیوخوس و لیسپاس را گرفته به نزدش آورد. <sup>۳</sup> وقتی از جریان باخبر شد گفت: «چهره آنها را به من نشان ندهید». <sup>۴</sup> لشکر آنان را کشت و دیمتریوس بر تخت<sup>۱</sup> پادشاهی خود نشست. <sup>۵</sup> همه مردان بی‌تورات و بی‌دین بنی اسرائیل تحت سرپرستی «الکیمس» که مدعی کهانت اعظم بود به نزدش آمدند<sup>۶</sup> در برابر پادشاه، قوم را متهم کرده گفتند: «یهودا و برادرانش همه دوستان تو را نابود کرده‌اند

f. در ۲-مک ۱۱:۲۵ از معبد سخن به میان می‌آید اما اشاره‌ای به حصارها که از دید نویسنده ۱-مک از معبد جدایی ناپذیر است، نمی‌شود.

g. در سال ۱۶۱ ق.م. این حمله که از سوی آپولینوس تدارک شده بود (ر.ک. ۶۹:۱۰) به پولیبوس نسبت داده شد.

h. ۲-مک ۱۴:۱ تصریح می‌کند که در تریپولی لبنان بوده است. از آنجا بود که انطاکیه را به تصرف درآورد. زمان مساعدی بوده است زیرا اطرافیان آنتیوخوس درگیر موضوع قتل یکی از نمایندگان روم بودند.

i. وی در سال بعد از طرف دولت روم به رسمیت شناخته شد و دیمتریوس اول «سوتر» نام گرفت.

j. تحت اللفظی: بر تخت سلطنتش، سبک عبری: ر.ک. ۵۳:۱۰، ۵۲:۱۱، ۱-پاد ۴۶:۲-توا ۲۳:۲۰ و ۱-پاد ۹:۵، ۱-توا ۲۲:۱۰، ۲-توا ۱۸:۷؛ دان ۵:۲۰.

k. طبق ۲-مک ۱۴:۴ الکیمس پیش از این دیدار به ملاقات دیمتریوس رفته بود.

l. نیمه غربی امپراتوری سلوکی که از پارس ها گرفته شده بود.

m. الکیمس یونانی شده الیاقیم از هارونیان مرتد، دوست یونانیان، احتمالاً از اعیان یاقیم رئیس دوازدهمین طبقه کهانتی بود: ۱-توا ۲۴:۱۲.

قوم شان نزدش گرد آمدند، صاحب سرزمین یهودیه شدند و ناراحتی زیادی برای بنی اسرائیل بوجود آوردند.<sup>۲۳</sup> با دیدن همه بدی هایی که الکیمس و همراهانش برای بنی اسرائیل و افزوده بر آن برای بیگانگان موجب شده بودند<sup>۲۴</sup> یهودا گرداگرد همه متصرفات یهودیه را درنوردیده از افرادی که آنجا را ویران کرده بودند انتقام کشید و مانع از حرکت آنها در کشور شد.

### نیکانور در یهودیه

(۲-مک ۱۴:۵-۳۶)

<sup>۲۵</sup> وقتی الکیمس دید که یهودا و همراهانش قوی تر شده اند، دانست که در برابرش مقاومت نتواند کرد، به نزد پادشاه بازگشته آنها را متهم به بدترین بدکاری ها<sup>۹</sup> کرد.<sup>۲۶</sup> پادشاه نیکانور<sup>۲</sup> یکی از برجسته ترین فرماندهانش را که از اسرائیل نفرت داشت و دشمن آن بود با فرمان نابودی قوم اعزام کرد.<sup>۲۷</sup> نیکانور با گروهی بی شمار به اورشلیم رسید و مکارانه به یهودا و برادرانش سخنانی صلح جویانه گفت:<sup>۲۸</sup> «دیگر در بین من و تو<sup>۵</sup> جنگی نیست، من با مردان اندک برای دیدار صلح جویانه از شما آمده ام.»

گرد آمدند.<sup>۱۳</sup> حسیدین<sup>n</sup> نخستین گروه از میان بنی اسرائیل بودند که درخواست صلح کردند.<sup>۱۴</sup> آنها در واقع می گفتند «وی کاهنی از دودمان هارون است که با گروه ها فرییمان نخواهد داد». <sup>۱۵</sup> برایشان به سخنان صلح جویانه سخن گفته سوگند یاد کرد: «ما در صدد آزار شما و دوستان شما نیستیم.»<sup>۱۶</sup> آنها اعتماد کردند اما وی همان روز شصت تن از میان آنها گرفته بنا مز ۳-۲:۷۹-۳ بر آنچه نوشته شده بود کشت:<sup>۱۷</sup> «تن مقدسانت و خون آنان را در اطراف اورشلیم ریختند و هیچ کس برای خاکسپاری آنان نبود.»<sup>۱۸</sup> ترس و لرزی که آنها القاء می کردند بر همه قوم فرود آمد و می گفتند: «نزد آنان نه وفا هست و نه عدالت، زیرا آنان تعهد خود و سوگندی را که یاد کرده بودند، زیر پا نهاده اند.»<sup>۱۹</sup> بکیدس از اورشلیم حرکت کرده در بیت زیت<sup>o</sup> موضع گرفت و فرستاده بسیاری از افرادی را که به وی پیوسته بودند و برخی از قوم را گرفته آنها را سر برید و به چاه بزرگ افکند.<sup>۲۰</sup> استان را به الکیمس سپرد و لشکری به وی واگذار کرد تا به کمکش بشتابد، سپس بکیدس نزد پادشاه رفت.<sup>۲۱</sup> الکیمس برای رسیدن به مقام کهانت اعظم مبارزه می کرد.<sup>۲۲</sup> همه آشوبگران

n. آنان که در ابتدا به یهودا پناه بردند (۲:۴۲) به نظرشان چنین می رسید که تضمین های پادشاه درباره آزادی مذهبی کافی است.

o. واقع در ۶ کیلومتری شمال بیت صور. در آن محل چاهی با پلکان یافت شده است.

p. در نسخه دیگر: «در اسرائیل بسیار به بدی رفتار کردند»، «ضربه سختی زدند» سبک عبری است که در فارسی هم رایج می باشد. ۱۳:۳۲؛ ۱۴:۳۶؛ ۱۵:۲۹؛ ۳۴:۳۴. ر.ک. ۱:۳۰.

q. روایت تا حدودی متفاوت ۲-مک ۱۴:۵-۱۴.

r. مقهور یهودا، ۳:۳۸. این شخصیت (نیکانور) هنگام مرگ ایفان جانب دیمیتریوس را پیش از بازگشت وی به شرق گرفت.

s. سبک عبری: پید ۱۳:۸.

t. تحت اللفظی: برای دیدن چهره شما (خروج ۱۰:۲۸) با صلح [خوشی] (خروج ۱۸:۲۳)، سبک سامی: ر.ک. ۱۲:۵۲.

این مرد و لشکرش انتقام بگیر و باشد که  
به زیر شمشیر به خاک افتند. کفرشان را  
به یادآور و اجازه نده بقاء یابند!»

### شکست و مرگ نیکانور (۲- مک ۱: ۱۵-۳۶)

<sup>۳۹</sup> نیکانور با ترک اورشلیم در  
بیت حورون موضع گرفت که در آن جا  
گروهی آشوری به وی پیوست. <sup>۴۰</sup> یهودا در  
ادش<sup>۱</sup> با سه هزار مرد موضع گرفت. یهودا  
این نیایش را کرد: <sup>۴۱</sup> «وقتی فرستادگان  
پادشاه کفر گفتند، فرشته تو بیرون شده  
۳۵:۱۹ یاد ۲  
یک صد و هشتاد و پنج هزار تن از آنان<sup>۲</sup> را  
زد <sup>۴۲</sup> همین گونه امروز نیز این لشکر را که  
در برابر ماست درهم شکن تا همه بدانند  
که علیه نیایشگاه مقدس تو به زشتی سخن  
گفته و بر او برابر شرارتش داوری کن».  
<sup>۴۳</sup> لشکریان سیزدهم ماه آدار<sup>a</sup> درگیر جنگ  
شدند، لشکر نیکانور درهم شکست و او  
نخستین کسی بود که در نبرد از پای درآمد.  
<sup>۴۴</sup> وقتی گروه های نیکانور دیدند که وی از  
پای درآمد است، اسلحه ها را انداخته  
گریختند. <sup>۴۵</sup> یهودیان یک روز راه از ادش  
تا مرزهای جازر آنها را تعقیب کردند در ۱۵:۴  
حالی که پشت سر آنها کرناها می غریزند.  
<sup>۴۶</sup> از همه روستاهای یهودیه، گرداگرد افراد  
خارج شده و در جناحین برایشان فرو

<sup>۲۹</sup> پس به سوی یهودا آمده دروذهای  
صلح جویانه مبادله کردند درحالی که  
دشمنان آماده برداشتن یهودا بودند. <sup>۳۰</sup> اما  
یهودا فهمید که نیکانور با نیت مکارانه ای  
به نزدش آمده ترس عظیمی وی را فرا  
گرفت و دیگر حاضر به دیدارش نشد.  
<sup>۳۱</sup> نیکانور دانست که نقشه اش فاش شده  
و برای نبرد در نزدیکی کفرالسلام<sup>۱</sup>، خود  
به مقابله یهودا شتافت. <sup>۳۲</sup> از سوی  
نیکانور، حدود پانصد مرد از پای درآمدند  
و بقیه به شهر داود<sup>۲</sup> گریختند.

<sup>۳۳</sup> پس از آن، نیکانور به کوه صهیون  
برآمد. کاهنی چند با مشایخ قوم برای سلام  
کردن به وی از نیایشگاه<sup>۳</sup> بیرون شدند تا  
۱۰:۶ عز  
قربانی های سوختنی را که به پادشاه تقدیم  
کرده بودند نشان دهند. <sup>۳۴</sup> وی نیشخند زده  
آنان را به تمسخر گرفت و سخنانی  
گستاخانه گفت <sup>۳۵</sup> و این سوگند را با خشم  
یاد کرد: «اگر از هم اکنون یهودا و لشکرش  
به دست های من تسلیم نشوند، بسیار  
خوب! وقتی به سلامت بازگشتم این معبد  
را خواهم سوزانید» و خشمگین بیرون شد.  
<sup>۳۶</sup> کاهنان به درون رفتند و در برابر  
قربانگاه و قدس ایستاده به گریه افتاده  
گفتند: <sup>۳۷</sup> «این معبد را تو برگزیده ای تا  
به نام تو نامیده شود<sup>x</sup> تا برای قوم تو  
خانه ای برای نیایش و استغاثه باشد <sup>۳۸</sup> از  
اش: ۵۶:۷  
مت ۱۳:۲۱

۱۱. خرابه های سلما در نزدیکی جبعون.

۷. در آن زمان در تصرف مشرکان بود ۱: ۳۳-۳۵.

۷. تحت اللفظی: مکان های مقدس یعنی معبد.

۸. سبک عبری: ر.ک. ۱-۸: ۴۳. در مکان های منتخب توسط خدا، ر.ک. تث ۱۱: ۱۲ و غیره.

۹. ر.ک. یوشع ۱۵: ۳۷ و «دشو» ۲-مک ۱: ۱۶.

۱۰. منظور پادشاه آشور سنخاریب است.

۱۱. حدود ۲۸ مارس ۱۶۰ ق.م.

آنان در سرزمین غلاطیان به انجام رسیده بود و آنها را مطیع ساخته و بر آنان خراج بسته بودند به وی بازگو کردند،<sup>۳</sup> آنچه در منطقه اسپانیا کرده بودند تا کان‌های زر و سیم را که در آنجا بود به تصرف در آورند.<sup>۱</sup> و چگونه تمام سرزمین را به حزم و احتیاط خود به تصرف آورده بودند در حالی که کشور از محل آنان بسیار دور بود. و همچنین در مورد پادشاهانی که از دورترین نقاط جهان برای حمله به آنان آمده بودند و شکست خورده به هزیمتی بزرگ واداشته شده بودند و این که می‌گفتند: «دیگران هر سال به آنان خراج می‌پردازند». <sup>۵</sup> آنها فیلیپس، پسر پادشاه «کتیم<sup>۱</sup>» و همچنین کسانی را که علیه آنان برخاسته بودند در هم شکسته آنان را به اطاعت در آورده بودند.

<sup>۴</sup> آنتیوخوس کبیر، پادشاه بزرگ آسیا که برای جنگیدن با آنان با صد و بیست فیل<sup>۲</sup>، آسواران، گردونه‌ها و لشکری بی‌شمار پیش آمده بود توسط آنان<sup>۱</sup> درهم

ریختند و اینان مجبور شدند علیه آنها برگردند و همه به زیر شمشیر افتادند، حتی یک تن (سالم) باقی نماند. <sup>۴۷</sup> غنایم و بقایا را برداشته، سر نیکانور و دست راستش را که با گستاخی برپا داشته بود بریده، با خود بردند و نزدیک اورشلیم برپا داشتند. <sup>۴۸</sup> قوم لبریز از شادی شد و این روز را چون روز بزرگ با خرمی جشن گرفتند. <sup>۴۹</sup> چنین بنیاد نهادند که این روز، هر سال سیزدهم ماه آدار جشن گرفته شود <sup>۵۰</sup> و سرزمین یهود به مدت چند روز آرام<sup>b</sup> گردید.

## در ستایش رومیان

۸ آنگاه یهود<sup>d</sup> آوازه<sup>d</sup> رومیان را شنید: اینان جنگجویانی<sup>e</sup> دلاور بودند و در قبال کسانی که به ایشان ملحق می‌شدند حاضر به خدمت بودند، و به هر کس که به سویشان<sup>f</sup> می‌رفت دوستی خود را تقدیم می‌داشتند، اینان جنگجویانی دلاور<sup>g</sup> بودند. <sup>۲</sup> از جنگ‌ها و فتوحاتی که توسط

b. ر. ک. ۳:۱؛ ۵۷:۹؛ ۱۱:۳۸؛ ۵۲:۱۴.

c. در ۲-مک این بخش پایان روایت مشترک هر دو کتاب است.

d. تحت اللفظی: یهودا نام رومیان را شنید، ر. ک. ۳:۴۱.

e. ۱۰:۱۹؛ ۱۱:۴۴؛ ر. ک. ۲:۴۲. تحت اللفظی: به نیرو قدرتمند (یوشع ۳:۸؛ ۱-توا ۱۲:۳۰)، سبک عبری: اصطلاحی که در کتاب دوم مکابیان وجود ندارد.

f. دولت روم جنبش‌های انقلابی را برای تضعیف پادشاهانی که هنوز کاملاً تحت سلطه در نیامده بودند با کمال میل حمایت می‌کرد.

g. تکرار این عبارت: «جنگجویانی دلاور» ناشی از سهو نسخه برداری است.

h. اشاره‌ای احتمالی به اطاعت سرزمین‌های ماوراء آلب‌گل (فرانسه) در آغاز قرن دوم.

i. نبردهای سیپیون ۲۱۸-۲۰۶ ق. م.

j. فیلیپ پنجم مقدونی که در محل سینوسفال در سال ۱۶۷ و پسرش پرسه در پیدنا در سال ۱۶۸ ق. م شکست خوردند. در مورد کتیم ر. ک. ۱:۱.

k. رقم اغراق‌آمیز است. پولیب مورخ از ۵۴ فیل سخن می‌گوید.

l. آنتیوخوس سوم که در سال ۱۸۹ ق. م در ماگنسیا (Magnésie) واقع در سی پیل (Sipyle) شکست خورد و مجبور به امضای عهدنامه آپامئا با شرایط سنگین شد ر. ک. ۲-مک ۳:۴-۸.